

تهدیدات سخت افزاری رژیم صهیونیستی و قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با آن

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش مقاله: اردیبهشت ۱۴۰۰

نادر محمدی

کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، ایلام، ایران

نویسنده مسئول:

نادر محمدی

چکیده

در مقاله‌ی حاضر به بررسی تهدیدات سخت افزاری رژیم صهیونیستی و راهبردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با آن می‌پردازیم. در این راستا، سوال محوری این مقاله این گونه مطرح شده است که مهم‌ترین راهبرد سخت افزاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با تهدیدات سخت افزاری رژیم صهیونیستی چیست؟ در پاسخ این گونه مطرح شده است که حمایت از گروههایی چون حزب الله، تقویت توان نظامی و موشکی و تقویت اتحادهای منطقه‌ای از مهم‌ترین راهبردهای سخت افزاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با تهدیدات سخت افزاری رژیم صهیونیستی است. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران، از آنجایی که انقلاب اسلامی را در تضاد با منافع ملی خود می‌دید، در راهبردهای سیاست خارجی خود، سعی داشته است که برای جمهوری اسلامی ایران یک منبع تهدید دائمی به حساب آید. در نتیجه با استفاده از تقویت توان نظامی و موشکی، سعی داشته است. نتیجه نهایی پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات سخت افزاری اسرائیل، سعی داشته است تا با حمایت از جنبش‌ها و تقویت اتحادهای منطقه‌ای و توان موشکی به مقابله با سیاست‌های اسرائیل بپردازد. نوع روش تحلیل مقاله نیز توصیفی-تحلیلی است.

کلمات کلیدی: تهدید، رژیم صهیونیستی، قدرت سخت، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی - رابطه راهبردی ایران و رژیم صهیونیستی در دوران حکومت پهلوی قطع شد. تمام تماس‌های رسمی بین آن‌ها خاتمه یافت و رژیم صهیونیستی در کنار ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین دشمنان انقلاب اسلامی مطرح شدند. در نتیجه این تحول، سرمایه‌های متقابلاً راهبردی به بدهی‌های راهبردی تبدیل شدند و شرکای راهبردی به دشمنان راهبردی تغییر شکل دادند. این تحولات با سرعتی خارق‌العاده مسیر کلیه امور را عوض کرد.

بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین دلیل برای به رسمیت نشناختن دولت رژیم صهیونیستی توسط جمهوری اسلامی ایران را ایدئولوژیک می‌دانند. بر این اساس، چنین استدلال می‌شود که بر همگان آشکار است اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین است و از هیچ‌گونه مشروعیتی برخوردار نیست. اسرائیلی‌ها با هر وسیله‌ای ممکن به اشغال سرزمین فلسطین پرداخته و با کمک قدرت‌های بزرگ به تأسیس دولت رژیم صهیونیستی نائل آمدند. از زمان تأسیس این دولت تاکنون نیز، حقوق فلسطینی‌ها به انحاء مختلف نادیده انگاشته شده است. اسرائیل بالاترین میزان نقض حقوق بین‌الملل در عرصه روابط بین‌الملل را داشته است. هزاران کتاب و مقاله و صدها کنفرانس و سمینار در مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی‌ها به نگارش درآمده که بررسی آنها در مجال نمی‌گنجد. همه‌ی اینها موجب می‌شود که هر انسانی (با هر مذهب و نژاد و قومیت و ...)، به محکوم نمودن اسرائیل به‌عنوان رژیم اشغال‌گر و غیرمشروع اقدام نماید.

اسرائیل پس از فروپاشی شوروی دریافت که باید به هر شکل ممکن ایران را منزوی گرداند تا بدین شکل بتواند امنیت خود را حفظ کند. با توجه به تهدیدهای جدی اسرائیل نسبت به جمهوری اسلامی ایران، یک مسأله‌ی مهم، مقابله با این تهدیدها و چگونگی تأمین امنیت کشور است. برای این کار دو دیدگاه وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول، برخی بر این باورند که ریشه‌ی همه‌ی تهدیدهای اسرائیل نسبت به ایران با مشروعیت این کشور و همچنین سیاست‌های منطقه‌ای آن می‌باشد. در صورتی که جمهوری اسلامی ایران کاری به کیان اسرائیل نداشته باشد، رژیم اسرائیل نیز کاری به ایران نخواهد داشت. بر اساس این تحلیل، از یک سو برخی استدلال می‌کنند که این دو کشور از لحاظ جغرافیایی از یکدیگر دور بوده و دارای تزاخم جدی منافع نیستند. در نتیجه، تنها راه تأمین امنیت ملی ایران این است که این کشور از مخالفت با مشروعیت اسرائیل با ادعای مربوط به ضرورت نابودی آن دست بردارد. دیدگاه دوم مبتنی بر پذیرش واقعیت‌هاست، بدین معنا که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت دینی در ایران، هم دارای هویت ارزشی و هم دارای هویت سرزمینی است و باید هر دو را توأمان حفظ نماید. حال با توجه به این ماهیت دو جنبه‌ای که جمهوری اسلامی ایران دارد، اسرائیل در صدد نابودی آن است و مهم‌ترین تهدید امنیتی برای آن محسوب می‌گردد. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید به مقابله با تهدیدهای اسرائیل بپردازد. از طرف دیگر، اسرائیل برای برخورداری از کمک‌ها و حمایت‌های بیشتر آمریکا و تداوم آن و حفظ روابط راهبردی خود با آن کشور بزرگ نمایی تهدیدات دشمن مشترکی را در دستور کار خود قرار داد، دشمنی که دفاع در مقابل آن برای آمریکا و اسرائیل جنبه استراتژیک دارد و این کشور همان‌طور که اشاره شد کشوری جز جمهوری اسلامی ایران نیست که کانون اسلام‌بنیادگرا، حامی تروریسم و مخالف روند صلح معرفی می‌شود. تداوم مواضع اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی ایران در قضایای مربوط به فلسطین، اسرائیل و صلح خاورمیانه این دشمنی مشترک را پررنگ تر می‌نمایاند. نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، تهدیداتی جدی هستند، در نتیجه در راهبردهای ایران، تقویت راهبردهای سخت‌افزاری در جهت مقابله با تهدیدات اسرائیل به‌عنوان مولفه‌ی اساسی به شمار می‌رود.

مفهوم قدرت سخت

قدرت سخت مفهومی آشنا در میان نظریه‌پردازان واقع‌گرا در روابط بین‌الملل است. هر چه ریشه قدرت نرم، در فرهنگ و ارزشهای یک جامعه است (Nye, 2004: 16). در قدرت سخت، مؤلفه‌های مادی همچون توانایی نظامی، تسلیحاتی و مالی باعث گسترش حوزه قدرت سخت می‌شود و به نوعی با توسل به زور، ارباب و سرکوب مخالفان در جهت دستیابی به اهداف مادی از قدرت سخت بهره‌برداری می‌شود. برای نمونه مورگنتا در کتاب «سیاست میان ملت‌ها» قدرت نظامی سخت‌افزارانه را راهی برای توازن قوا می‌داند. در واقع قدرت سخت در تعاریفی که از سوی اندیشمندان ارائه شده است، به معنای دستیابی به ظرفیت‌ها و منابعی است که با آن‌ها می‌توان در نتیجه یا برون‌داد یک فرآیند نفوذ کرد. بنابراین کشور زمانی قوی است که جمعیت بیشتر، اراضی وسیع‌تر، منابع طبیعی کلان‌تر، استحکام اقتصادی، نیروهای نظامی و ثبات اجتماعی داشته باشد. قدرت سخت به یک کشور امکان می‌دهد کشور دیگری را تطمیع یا تهدید یا مورد هجوم با

ابزارهای سخت قرار دهد تا به منافع کشور اول گردن نهد. قدرت به سادگی قابل تعویض از یک زمینه بر دیگر زمینه‌ها نیست و دارای ساختار هرمی با منطق «بالا به پایین» است. کما اینکه می‌توان قدرت سخت را از قدرت‌های غیرفرهنگی شده ارزیابی کرد، بدین معنا که آن دسته از منابع قدرت که فارغ از اصول و هویت فرهنگی جامعه عمل می‌کنند، می‌توان سخت نامی د. ویژگی بارز آن تحلیل آن به آمریت است که مطابق آن، فرد موضوع قدرت، به اطاعت واداشته می‌شود. به همین دلیل که امکان تولید و اعمال قدرت در صورتی متصور است که بین اعمال قدرت و محیط، تفکیک صورت گرفته باشد (غلامی و دیگران، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۵).

قدرت سخت، کاربرد قدرت برای وادار ساختن دیگران است به آنچه که ما می‌خواهیم به نحوی که اگر به کار گرفته نشوند، دیگر بازیگران با تهدید و امتیاز آن را انجام نمی‌دهند (keohan and nye, 1984: 4).

قدرت سخت را می‌توان نمودی از قدرت‌های غیرفرهنگی شده ارزیابی کرد؛ به این معنا که از دست منابع قدرت را که فارغ از اصول هویت فرهنگی جامعه عمل می‌کند می‌توان سخت نامید. قدرت سخت معنای توانایی اراده و تأمین خواسته‌های از طریق منابع فیزیکی، عینی «سخت‌افزار» و همراه با اعمال رفتار خشونت‌آمیز و اجبار است. قدرت سخت یکی از جنبه‌های توانایی قدرت ملی، برای به دست‌یابی به اهداف از طریق تأثیرگذاری بر دیگران است. به باور جوزف نای، قدرت اقتصادی و نظامی به مثابه قدرت سخت می‌تواند دیگران را به تغییر مواضع خود سوق دهد. این نوع قدرت بر پاداش (هویج) یا تهدید (چماق) مبتنی است؛ بنابراین، براساس این دیدگاه، هرگاه نتایج دلخواه با تهدید یا پاداش محسوس و مستقیم کسب شود، قدرت سخت به کار رفته است. قدرت سخت جنبه سنتی قدرت است که همان توانایی اقتصادی و نظامی است؛ به عبارتی این بخش از قدرت تا پیش از جنگ اول جهانی، تواناترین و برترین ابزار تلقی می‌شد (احمدی و اکبری، ۱۳۹۴: ۶۶). قدرت سخت از مفاهیمی است که تعریف آن سهل و ممتنع به نظر می‌رسد.

منابع قدرت سخت

منابع قدرت سخت با نوع نگرش مورگنتایپی، برگرفته از فلسفه سیاسی ماکیاوول و هابز، قرابت دارد و به علت ماهیت سنتی، بیشتر بر محور سخت‌افزاری و نظامی‌گری است و شامل سازوکارهای متکی بر توان نظامی در قالب زیرساخت‌های لازم، ابزار و جنگ‌افزار سنتی و مدرن، حرکت‌های خشونت‌آمیز و خارج از هنجار و نرم بشری می‌شود که با هدف کنترل، مدیریت یا حذف حریف از معادلات قدرت شکل می‌گیرد. قدرت سخت بیشتر از آن که معطوف به تغییر رفتار باشد، معطوف به تغییر ساختار قدرت است که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- تجاوز نظامی و حمله به کشور هدف همانند جنگ ویتنام، تجاوز عراق به ایران و کویت، حمله آمریکا و ارتش ائتلاف به افغانستان و عراق یا تجاوز اسرائیل به لبنان در جنگ ۳۳ روزه؛
- کودتای نظامی با مصادیق متعدد همانند کودتاهای انجام گرفته توسط ایالات متحده آمریکا در آمریکای لاتین یا کودتای نوژه که آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه ایران سازماندهی کرد.
- ترور رهبران و تروریسم دولتی همانند آنچه اسرائیل در قالب تروریسم دولتی با هدف حذف رهبران گروه‌های مقاومت از صحنه مبارزه دنبال می‌کند. ترور «رنتیسی» از رهبران جنبش حماس یا حذف «رفیق حریری» از صحنه قدرت لبنان نمونه‌هایی از آن است.
- سازماندهی گروه‌های چریکی و شورش‌های مسلحانه در قالب سازماندهی و حمایت از گروه‌های برانداز اپوزیسیون همانند حمایت آمریکا از سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) یا حمایت شرق از چریک‌های فدایی اقلیت قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی یا آنچه در واقعه ۷ تیر یا هشت شهریور در ایران رخ داد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷).

از سوی دیگر، هر چه قدر در قدرت نرم، نظام آموزشی و پژوهشی قدرتمند در بهینه‌سازی و ارائه مدل‌های مورد قبول جوامع نقشی اساسی دارد (9: huntington, 2006). در قدرت سخت، تشویق که از آن به عنوان پاداش در جهت تطمیع و تاثیر رفتار مطلوب یاد می‌شد، به عنوان یکی از منابع مطرح است، زیرا این مولفه، از اکثر منابع پرخرج در تنبیهات و تحریم هاست (31: powell, 2005).

تهدیدات سخت رژیم صهیونیستی علیه ایران در غرب آسیا

۱- برنامه های هسته ای

تثبیت موجودیت و تداوم بقا یکی از هدفهای مهم راهبرد منطقه ای اسرائیل بوده است. نظر به اینکه اسرائیل در میان کشورهای خاورمیانه به عنوان رژیمی نامشروع و غاصب به شمار می آید و کشورهای منطقه، این رژیم را یک عنصر ناهمگن و بیگانه به حساب می آورند. همواره امنیت و ثبات این کشور در معرض خطر قرار داشته است. اسرائیل گمان می برد با کسب تسلیحات هسته ای به قدرت برتر منطقه تبدیل شده و می تواند بدون ترس از حمله دشمنانش به سیاست توسعه ارضی خود ادامه دهد (کوشکی و میرحسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۰).

به طور کلی، دو نگاه در ساختار قدرت رژیم صهیونیستی نسبت به ایران وجود دارد: یک نگرش، ایران را دشمن ایدئولوژیکی می داند که به دنبال نابودی فیزیکی رژیم صهیونیستی است و نگرش دوم، ایران را کشوری پیچیده می داند که تابعی از منافع ملی و حفظ ملاحظات نظام سیاسی خود است. به باور مقامهای اسرائیلی، افزایش قدرت ایران در منطقه موجب قدرتمند شدن مخالفان رژیم صهیونیستی و جنبشهای مقاومت فلسطین خواهد شد که به نفع تل آویو نیست. علاوه بر این، افزایش قدرت ایران به واسطه دستیابی به فناوری حساس چرخه سوخت می تواند رهبران آمریکا را به سوی مذاکره با ایران بکشاند؛ چیزی که رژیم صهیونیستی همواره از آن هراس دارد.

اسرائیل همچنین در این راستا در تلاش است تا تعریفی از توازن قوا در منطقه ارائه دهد که در آن ایران به عنوان منشأ اصلی ناامنی در منطقه تعریف می شود. به همین دلیل نیز به باور مقامهای اسرائیلی هرگونه بازدارندگی باید با هدف جلوگیری از تهدید ایران باشد و مهار اصلی هم باید بر محور مهار قدرتهایی مثل ایران صورت بگیرد که با اهداف و جهت گیریهای سیاسی غربی و با وضع موجود منطقه سازگاری ندارند. اسرائیل برای عملی کردن برنامه های خود بر ضد تهران ابتدا در تلاش است تا ایران و فعالیت های هسته ای آن را تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی و همچنین برای امنیت و بقای خود جلوه دهد. به عبارت بهتر، مسئله القای ترس و هراس از ایران در سطوح بین المللی به عنوان پیش نیاز و زمینه ای برای عملیاتی کردن اهداف بعدی اسرائیل به شمار می رود (مجیدی و ثمودی پیله رود، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۱۹۷).

رهنامه دفاعی اسرائیل بر این فرض استوار است که هیچ دشمنی نباید توانایی تهدید موجودیت اسرائیل را بدون (تحمل) مجازات داشته باشد و همه نوع اقدامات برای خنثی کردن چنین تهدیداتی باید از سوی تلاویو انجام شود. به همین دلیل هیچ اعتقادی در اسرائیل به این عقیده رایج در میان متفکران آمریکایی مانند مشاوران سابق امنیت ملی از جمله، زیگنیو برژینسکی و برنت اسکوکرافت که معتقدند زرادخانه های هسته ای اسرائیل می تواند یک بازدارندگی هسته ای برای این کشور ایجاد کند، وجود ندارد. اسرائیل این ایده را رد می کند که ایران از رهنامه بازدارندگی تبعیت می کند؛ رهنامه ای که در آن دو قدرت هسته ای به همدیگر حمله نمی کنند مگر اینکه هر دوی آنها مطمئن باشند با چنین حرکتی از عواقب نامعلوم آن در امان می مانند از آنجا که ایرانیان صرف نظر از توانمندی ضربه دوم اسرائیل، به معیار بازدارندگی غرب اعتقادی ندارند، گرایش فرهنگی مذهبی ایران چنین تهدیداتی را غیرواقعی جلوه می دهد (بن مایر، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

رژیم صهیونیستی در مقایسه با سایر کشورهای جهان در مورد برنامه هسته ای ایران خود را نگران تر می داند و همواره آن را در راستای اهداف نظامی ایران و تهدیدی جدی علیه موجودیت خود می داند. این رژیم، احتمال اینکه ایران مانند آفریقای جنوبی، آرژانتین و یا برزیل سیاست معکوس هسته ای در پیش بگیرد، بسیار اندک می داند و دلایلی مانند جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق، تهدید متحدان عربی آمریکا، هم مرزی ایران با پاکستان هسته ای (به عنوان کانون پرورش افراط گرایی ضدشیعی) را تقویت کننده گرایش ایران برای حرکت به سوی بازدارندگی هسته ای تلقی می کنند. در اظهار نظرهای مختلف مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی نیز می توان چنین رویکردی را به وضوح تشخیص داد؛ آن ها همواره به تهدید ایران بعدی منطقه ای و بین المللی می دهند که همگی در راستای سیاست های جلب حمایت جهانی و ایجاد جبهه ضدایرانی علیه برنامه هسته ای ایران، تقویت ایران هراسی و شکستن محور مقاومت ضد اسرائیلی به رهبری ایران است و البته با راهبردهای مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی همراه بوده است. از نظر سران رژیم ظهور ایرانی هسته ای به تکثیر زنجیروار تسلیحات هسته ای در منطقه خاورمیانه می انجامد و احتمال آن که کشورهایی مانند ترکیه، مصر، عربستان سعودی و عراق به سوی هسته ای شدن بروند، بسیار است که این مسأله بر بی ثباتی خاورمیانه بیشتر خواهد افزود. اسرائیل در کنار تهدید هسته ای، موشک های ایران را (به عنوان ابزار پرتاب تسلیحات هسته ای) چالش جدی امنیتی علیه حیات خود می داند. در این راستا، رژیم صهیونیستی سامانه دفاعی آرو - ۲ را ساخته و مدعی است تنها سامانه موشکی ضد بالستیک در جهان به شمار می رود که تاکنون عملیاتی شده است. برد رهگیری این موشک ها تا شعاع ۱۵۰ کیلومتری مرزهای اسرائیل است. با وجود این، به

دلیل اینکه هیچ سیستم دفاعی عاری از اشتباه نیست، اگر موشک‌های ایران به سامانه ضد تدافعی مجهز باشند و یا ایران از تاکتیک‌های موشک باران استفاده کند، کارآمدی موشک‌های آرو - ۲ در هاله‌ای از تردید است. به علاوه ضعف دفاع موشکی رژیم صهیونیستی زمانی مشخص می‌شود که می‌بینیم این رژیم هنوز نتوانسته در برابر موشک‌های حزب‌الله و حماس به بازدارندگی کامل دست یابد (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۵۸).

تسلیمات هسته ای اسرائیل به عنوان ابزاری تکمیلی برای سیاست‌های آن کشور در برخورد با ایران و خاورمیانه تلقی می‌گردد. به هر اندازه دامنه ی تعارض اسرائیل محدودتر باقی بماند سلاح‌های هسته ای آن کشور از کارای کمتری برخوردارند. زیرا محیط جغرافیایی اسرائیل به اندازه ای کوچک و محدود است، که اگر بمبها را علیه کشورهای همجوار خود یعنی لبنان، سوریه و اردن به کار گیرد، غبار هسته ای آن حوزه ی جغرافیایی او را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد، اما اگر این ابزارها علیه هدفهای دورتری از جمله ایران به کار گرفته شود، طبیعی است که انتقال غبار اتمی و تشعشع رادیواکتیو آن برای اسرائیل خطر چندانی را به وجود نخواهد آورد. براین اساس تأکید می‌شود که سلاح‌های هسته ای خطری جدی بر تمامیت ارضی و تهدیدی علیه مردم و نظام سیاسی ایران است. آن کشور اگر به تولید چنین سلاح‌هایی متوسل شود، طبیعی است که راه‌هایی برای کاربرد آن نیز در نظر داشته باشد. به لحاظ استراتژیک حوزه ی فراتر شعاع ۵۰۰ کیلومتری اسرائیل منطقه امنی برای کاربرد خصمانه ی چنین ابزارهایی است و کشور ایران نیز در این حوزه قرار دارد. به این ترتیب خطر تهدید هسته ای اسرائیل اگرچه برای تمامی خاورمیانه جدی است بازتاب‌های تهدیدکننده ی آن برای ایران خطرآفرین تر تلقی می‌شود. اسرائیل علی‌رغم اینکه چنین سیاست‌هایی را در جهت به کارگیری بازدارندگی هسته ای اعمال می‌کند، اقدامات بازدارنده ی هسته ای دیگری را از جمله حمله به راکتورهای هسته ای عراق که به موجب آن توان هسته ای عراق را کاهش داد و تولید ابزاری آن را به تعویق انداخت نیز در دستور کار نظامیان و دولت اسرائیل است. اگرچه این امر بخشی از استراتژی کلان و بلند مدت اسرائیل است، اما می‌توان در صورت ادراک تهدید آن را به عنوان اصل ثابت در استراتژی عملیاتی و سیاست نظامی اسرائیل تلقی کرد (متقی، ۱۳۷۶: ۵۲-۵۱).

رژیم اسرائیل یک قدرت نظامی در منطقه است و دارای بمب هسته‌ای است و در استفاده از آن برای حفظ بقای خود تردیدی ندارد و در صورت جدی تلقی شدن خطر جمهوری اسلامی ایران برای رژیم اسرائیل، این رژیم ابایی از به کارگیری سلاح هسته‌ای نخواهد داشت و اگر تاکنون در منازعات پیشین خود با همسایگانش این سلاح‌ها را به کار نگرفته به دلایل انسان دوستانه و ملاحظات بین‌المللی نبوده است بلکه بیشتر از آن جهت بوده که به کارگیری سلاح هسته‌ای علیه کشورهای همسایه با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی اسرائیل، پیامدهای مخربی برای خود اسرائیل هم خواهد داشت. توجه به این نکته لازم است که سلاح‌های اسرائیل به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دامنه برد آن‌ها جمهوری اسلامی ایران را دربر گیرد و از سرزمین کشورهای همسایه فراتر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی آن‌ها ایران بوده و از این رو تهدید نظامی علیه ایران محسوب می‌گردد. تسلیمات هسته‌ای اسرائیل به عنوان ابزاری تکمیلی برای سیاست‌های آن کشور در برخورد با ایران تلقی می‌گردد. خطر تهدید هسته‌ای اسرائیل اگرچه برای تمامی خاورمیانه جدی است، بازتاب‌های تهدیدکننده آن برای ایران خطرآفرین تلقی می‌شود. سوابق رژیم اسرائیل نیز نشان می‌دهد که در صورت احساس خطر نسبت به پیشدستی در وارد ساختن ضربه، تردید به خود راه نمی‌دهد. این رژیم تقریباً در تمامی نزاع‌ها با همسایگان خود پیش‌قدم بوده است. اسرائیلی‌ها همواره حمله علیه سایرین را تحت عنوان «دفاع پیشگیرانه از خود» توجیه کرده‌اند و به نظر می‌رسد در مورد هر نوع حمله‌ای به جمهوری اسلامی ایران اقدام خود را دفاع پیشگیرانه قلمداد کنند.

۲- تجهیزات مدرن نظامی و سخت افزاری

در دنیای امروز کشورها سعی دارند با استفاده از مولفه‌ها و ابزارهایی که در اختیار دارند، توان سیاسی خود را افزایش دهند. توان سیاسی دارای سه عنصر روحیه سیاسی مطلوب، تصمیم‌گیری جامع و اجرای انعطاف پذیر و سریه می‌باشد (grindle, 1980: 73). دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی در عمر پنجاه ساله اش، با تداوم و تغییر همراه بوده است. رژیم صهیونیستی از یک سو، تعهدی پایدار به مفاهیمی چون بازدارندگی از طریق تهدید به تلافی شدید داشته است، و از سوی دیگر، در دهه گذشته تغییراتی اساسی در دکترین امنیتی آن روی داده است. اما سه اصل اساسی آن (بازدارندگی، هشدار استراتژیک و پیروزی قاطع و سریع) همچنان پایدار باقی مانده است. دکترین امنیتی استراتژیک رژیم صهیونیستی براین اساس استوار است که تل آویو باید از چنان قدرت نظامی برخوردار باشد که هیچ دولت و یا گروهی از دولتها جرأت حمله به آن را پیدا نکنند و اگر "قدرت بازدارندگی" آن نتواند بخوبی تأثیر خود را بگذارد، و دولتی جرأت حمله را بیابد، نظام اطلاعاتی بایستی پیش از حمله، باخبر شود و به سرعت هشدار لازم را بدهد تا با اتخاذ

اقداماتی چون ضربه های پیشگیرانه و هجوم پیشدستانه، از نابودی خود جلوگیری کند و با بسیج نیروهای ذخیره، برای جنگ آماده شود، "اصل هشدار استراتژیک، بر ضرورت برخورداری از یک نظام اطلاعاتی با به گیری گونه های پیشرفته ابزارها و تجهیزات تأکید دارد و در حال حاضر با استفاده از ماهواره های جاسوسی، فضای خاورمیانه به طور دقیق کنترل می شود. و سرانجام اینکه، در صورت شکست دو اصل فوق و غافلگیری رژیم صهیونیستی مسئله خنثی کردن حمله در کوتاه ترین زمان ممکن و کشاندن جنگ به خاک دشمن مطرح می شود. این عملیات باید بسرعت انجام شود و حملات بایستی قاطع و کوبنده باشند، چرا که اقتصاد، جمعیت و نیروهای رژیم صهیونیستی امکان درگیری در یک جنگ طولانی را ندارند و در صورت ورود عوامل خارجی به جنگ، امکان خاتمه آن در پشت میزهای مذاکره و به زبان رژیم صهیونیستی وجود دارد. این اصل به "پیروزی قاطع و سریع" موسوم است (کرمی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲).

همچنین، به دلیل ترس دائمی، نیاز به امنیت و اتکا و قوه نظامی در اظهارات اکثر مقامات سیاسی و مذهبی اسرائیل قابل درک و مشاهده است. به همین لحاظ اکثر مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی یا نظامی هستند یا سابقه خدمات نظامی و امنیتی دارند (دهشیری و مشتاقی، ۱۳۹۴: ۴۵).

در ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی این تفکر مطرح است که به سبب محدودیت های جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی خاص آن تهدید برای این رژیم از ماهیتی «وجودی» برخوردار است و می تواند همه موجودیت آن را از میان ببرد. هر جنگی ممکن است به عنوان آخرین نبرد، به موجودیت این رژیم خاتمه دهد و یا ضربه اساسی وارد کند. عوامل عدم مشروعیت، موقعیت ژئوپلیتیک نامطلوب و جمعیت اندک به همراه ماهیت آمرانه، زورمندانه و اشغال گر و فقدان عمق استراتژیک و بالاخره محاصره وسیع از جانب همسایگان عرب، محیط امنیتی ناآرامی را برای این رژیم سبب گردیده است. از این رو تلاش شده تا نه تنها مانع آغاز جنگ، بلکه مانع شکل گیری هر اقدامی برای حمله شده و این موضوع را از طریق یک قدرت بازدارنده دنبال نموده و یا در صورت وقوع جنگ، با انتقال جنگ به خاک دشمن و سیاست های تجاوزکارانه با استفاده از جنگ های برق آسا، بتواند تمهیداتی برای مقابله با ضعف های خود (مثلاً فقدان عمق استراتژیک) داشته باشد. از نظر بن گورین، رژیم صهیونیستی با افزایش قدرت نظامی خود در همه ابعاد باید به کشورهای دیگر بفهماند که حالت جنگی به نفع آن ها نیست و آن ها را به تشویق به پذیرش وضع موجود، صرف نظر کردن از سرزمین های اسلامی و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نماید. در واقع، سیاست بازدارندگی رژیم صهیونیستی برداری است که یک سوی آن جلوگیری از تهدیدات فوری و روزمره و سر دیگر آن شناسایی منطقه ای، بومی شدن و تضمین همیشگی بقا به عنوان یک اصطلاح دولت برخوردار از حاکمیت است.

نیروی هوایی اسرائیل ثابت کرده که توانمندی های بالایی دارد؛ یعنی اینکه نیروی هوایی اسرائیل دارای قابلیت سوخت گیری مجدد و همچنین موشک های هدایت شونده هوا به زمین با دقت بالا می باشد و هواپیماهای اسرائیلی می توانند اهدافی را در فاصله ۱۵۰۰ مایل دریایی رهگیری نمایند. علاوه بر این، اسرائیل قادر به استفاده از بمب هایی نظیر «GBU-28» (نابودگر زیر زمینی) بوده که از آمریکا دریافت کرده است. این بمب ها برای اهداف عمقی و نابودی استحکامات زیرزمینی طراحی شده اند. به نقل از منابع اسرائیلی، تل آویو بمب هایی در اختیار دارد که دارای کلاهک های کوچک هسته ای بوده و می توانند به اعماق نفوذ نموده و خرابی های عظیمی بدون به جا گذاشتن اثر زیاد رادیواکتیو به بار آورند. اسرائیل، علاوه بر نیروی هوایی پر قدرت خود، نیروی دریایی کوچک اما قدرتمندی دارد که دارای شش زیر دریایی کلاس دولفین می باشد. گفته می شود سه مورد از این زیر دریایی ها قابلیت حمل موشک های هسته ای را دارند. اسرائیل با ارسال این ناوها در جولای ۲۰۰۹ از طریق کانال سوئز، درصدد اثبات این نکته بود که نه تنها دارای قدرت نظامی کافی برای مبارزه با ایران می باشد، بلکه در صورت بروز هر گونه جنگ احتمالی، دولت های عربی نظیر مصر تا حدودی متمایل به همکاری با اسرائیل خواهند بود. این ناوها و تسلیحات حامل آن به اسرائیل امکان حمله به ایران را از سمت جنوب میدهد، بدون اینکه حریم هوایی کشورهای عرب را نقض کند اسرائیل به خوبی بدین نکته واقف است که برخلاف حمله های هوایی به عراق و سوریه که تمام امکانات هسته ای آنها را نابود کرد، حمله به کارخانه هسته ای ایران تمام تجهیزات آن را از بین نخواهد برد. این مکان ها در مناطق مختلفی پراکنده و بیشتر تأسیسات آنها در عمق بسیار زیادی از زمین ساخته شده اند و به گونه ای طراحی و تجهیز شده اند که در برابر سنگین ترین بمب باران ها مقاوم هستند. مقامات اسرائیلی از جمله ایهود باراک و نتانیاهو به حمله ای که فقط پیشرفت های هسته ای ایران را به تعویق بیناندازد تا فضاهای سیاسی مناسب جدیدی ایجاد شود که ایران را از فرصت های هسته ایش باز دارد، دلخوش کرده اند. از آنجا که ایران در پرتاب ماهواره (به فضا) موفق بوده و به فناوری ساخت موشک های با برد متوسط که توانایی هدف گیری اسرائیل را دارند دست یافته، نگرانی تل آویو از پیشرفت های رو به گسترش ایران بیشتر شده است. در مقابل،

اسرائیل نیز اقداماتی را برای تقویت نیروی هوایی و دفاعی خود با قابلیت ردیابی موشک های ورودی با درجه بالایی از دقت انجام داده است (بن مایر، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۳).

پروژه ی جت های جنگنده ی اسرائیلی موسوم به شیرجوان از عمده ترین سلاح های مورد استفاده نیروی هوایی اسرائیل است. این ابزارها اگرچه در داخل اسرائیل تولید می شود ولی به این دلیل که از تکنولوژی و ابزارهای امریکایی بهره می برد، توان عملیاتی مشابهی با هواپیمای اف ۱۶ و اف ۱۸ ایالات متحده دارد و نقش امریکا در توسعه ی صنایع نظامی اسرائیل کاملاً هویدا و مشخص است، زیرا بدون همکاری و مشارکت امریکا، اینگونه ابزارهای پیچیده و پیشرفته هرگز تولید نمی شد زیرا ۵۵ طرح تولید و مونتاژ هواپیمای لایو در اسرائیل، جزء برنامه های مشترک تولید نظامی جنگ افزار بین امریکا و اسرائیل است؛ به گونه ای که می توان تأکید داشت حداقل ۵۵ درصد از قطعات این هواپیماموتور جت، کامپیوتر کنترل پرواز،... ساخت امریکاست و آمریکا در حدود ۹۰ درصد از هزینه ی ۱/۵ میلیارد دلاری توسعه جنگ افزارهای لایو را پذیرفته است. مشارکت امریکا به اندازه ای است که در قسمت عقب اولین هواپیمای جنگنده Lavi که در سال ۱۹۸۶ از خط تولید صنایع هواپیمایی اسرائیل خارج شد، پرچم امریکا در کنار پرچم اسرائیل ترسیم شده بود. در کل باید تأکید داشت که در حدود ۶۰ درصد از قطعات به کار رفته در هواپیمای مونتاژ اسرائیل (کفیر و لایو) در داخل اسرائیل ساخته شده و ۴۰ درصد بقیه از جمله موتور هواپیما ساخت شرکت جنرال الکتریک امریکاست (متقی، ۱۳۷۶: ۵۴).

علاوه بر هواپیمای یادشده، اسرائیل توانست موشکها لوز و جریکو راکه ۱۵۰۰ کیلومتر برد دارند و می توانند کلاهک های اتمی حمل کنند با کپی سازی از موشکهای M.D660 فرانسه به انجام رساند. این ابزارها توان استراتژیک اسرائیل را بسیار زیاد افزایش داد اما به کارگیری آنها همواره مورد اعتراض کشورهای عربی قرار گرفته است. در همین راستا عربستان سعودی موشکهای نسبتاً مشابهی را از کشور چین خرید که توان عملیاتی همگون موشکهای اسرائیل به این دلیل که می توانند کلاهک هسته ای حمل کنند و از سوی دیگر برد آن نسبتاً زیاد است و می تواند حوزه های مختلفی از جغرافیای ایران را مورد هدف قرار دهد، نوعی تهدید تلقی می ود. و از این رو ایران نیز خواهد توانست تا ابزارهای بازدارنده ی متقابل را تهیه کند (متقی، ۱۳۷۶: ۵۵-۵۴).

رژیم اسرائیل با حمایت امریکا و کشورهای اروپایی از قدرت نظامی مناسبی برای اجرای سیاست های تهاجمی و حملات پیشگیرانه برخوردار است که عبارتند از:

برخورداری اسرائیل از هواپیمای دور پرواز F14 و F15 که می توانند تا ۱۶۰۰ مایل نزدیک به ۳ هزار کیلومتر پرواز کند. همچنین احتمال برخورداری اسرائیل از هواپیمای D35 در آینده نزدیک زیاد است. دارا بودن ۳ زبردربایی دلفین که توان حمل سلاح های هسته ای را نیز دارا است که در صورت انتقال به آب های نزدیک ایران، از قابلیت افزونتری برای واکنش به حملات دفاعی ایران برخوردار است. تجربه نیروی هوایی اسرائیل در حملات به مراکزی در عراق و سوریه و تمرین این وضعیت در مانورهای انجام شده در دریای مدیترانه.

تلاش در جهت استقرار سیستم های جدید و پیشرفته ضد موشکی معروف به x-band دو مجموعه آنتنبار آرو ۲ در شمال و مراکز فلسطین اشغالی استقرار دارند که هر مجموعه دارای ۴ تا ۸ پرتاب گر با رادار چند منظوره کاج سبز و یک مرکز کنترل آتش و تقریباً ۵۰ موشک رهگیر آرو می باشد. موشکهای جدید آرو ۳ (اگزو اتمسفری) برای موشکهای با برد ۲ هزار کیلومتر به بالا و خارج از اتمسفر در حال مطالعه هستند.

بهره گیری از سلاحهایی مانند بمب های رسوخ کننده زمین GBU-28 که از امریکا دریافت کرده و یا احتمال استفاده از بمب های هسته ای تاکتیکی (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۰).

همچنین در راهبردهای نظامی اسرائیل، اصل غافلگیری خواه استراتژیک و خواه تاکتیکی، شاخص اصلی مکتب نظامی را تشکیل می دهد. بر این مبنا، غافلگیری اساس تمامی طرح های نظامی بوده «و بدون آن درک برتری قطعی در یک نقطه، ممکن نیست». غافلگیری در ذات خود وسیله ای است برای رسیدن به برتری و همچنین جبران نقص و ضعف نقاط دیگر. غافلگیری باعث آشفتنگی و تحلیل شجاعت دشمن می شود. از این رو اصل مزبور، اساس تمامی عملیات های اسرائیل را تشکیل می دهد (رباعه، ۱۳۶۸: ۷۷).

تجربه اسرائیل نشان داد که در بهترین حالت حکومت ها تنها می توانند مسئله تروریسم را مدیریت کنند که برای این نوع مدیریت نیازمند اقدام نظامی تهاجمی، ابزارهای بالای امنیتی برای پیشگیری از حملات تروریستی عوامل تندرو، و ایجاد

ائتلاف با عناصر سیاسی معتدل هستیم. تجربه اسرائیل از نظر بدست آوردن حمایت جمعیت غیرنظامی نیز مهم است. برای مثال هنگامی که منطقه امنیتی در جنوب لبنان وجود داشت، اسرائیل در آن منطقه مبارزه‌ای بر ضد تروریست‌ها و ستیزه‌جویان به راه انداخته بود و در همین حال کمک‌هایی را برای جمعیت لبنانی حاضر در آنجا نیز فراهم می‌آورد، کمک‌هایی شامل: طرح‌هایی برای دوباره سازی زیرساخت‌ها و برنامه‌هایی برای فراهم کردن مراقبت‌های بهداشتی. در روی دیگر سکه، جنبش‌هایی مانند حماس به طور وسیع از سازمان‌های غیردولتی برای دستیابی به همین اهداف استفاده می‌کنند.

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در بعد سخت افزاری در جهت مقابله با تهدیدات اسرائیل

۱- تقویت توان و تجهیزات نظامی

به گفته بسیاری از تحلیلگران، در کنار تهدیدات رهبران اسرائیل از احتمال حمله نظامی و یکجانبه به جمهوری اسلامی ایران، این رژیم به عنوان تنها کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه می‌تواند چالش‌های بسیاری را برای امنیت منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. هسته‌ای بودن رژیم اسرائیل در حالی است که دستگاه‌های امنیتی این رژیم در گزارش‌های رسمی خود از دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید بنیادین نام برده‌اند. در همین زمینه می‌توان به گزارش افق سالانه ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) اشاره کرد که در این گزارش، جمهوری اسلامی ایران به عنوان خطری که موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کند، توصیف شده است و تهدیدهای امنیتی این کشور در مواردی چون هسته‌ای این دولت، توانایی موجود در موشک‌های آزمایش شده و همچنین قابلیت جنگ با واسطه با اسرائیل از طریق حزب‌الله لبنان و یا حماس، خلاصه شده است. در پایان این گزارش نیز مقامات امنیتی رژیم اسرائیل بیان کرده‌اند که برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای ایران، توان دفاعی خود را بیش از پیش افزایش خواهند داد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۲).

با توجه به تهدیدات گسترده رژیم صهیونیستی مبنی بر حمله نظامی به ایران، دولتمردان کشور معتقد بوده و هست که یک چنین حمله‌ای محتمل است. به ویژه، هر زمان که عملیات تروریستی علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه یا دیگر اهداف آن صورت می‌گرفت، آمریکا و اسرائیل با متهم کردن ایران بحث حمله به تجهیزات و پایگاه‌های حساس ایران را مطرح می‌کردند. آمریکا و اسرائیل به طور آشکار اعلام کرده‌اند که مسلح شدن ایران به تسلیحات هسته‌ای و کشتار جمعی را غیر قابل تحمل می‌دانند. اما تا قبل از ۱۱ سپتامبر آمریکا و اسرائیل همه تلاش‌های خود را معطوف به بازداشتن روسیه و چین و کشورهای دیگر برای انتقال تکنولوژی هسته‌ای، تکنولوژی موشکی و دیگر تکنولوژی‌های با کاربرد دوگانه می‌کردند. اما بعد از ۱۱ سپتامبر و به ویژه بعد از سخنرانی بوش که ایران را جزو محور شرارت خواند و به صراحت اعلام کرد که از همه ابزارهای در دسترس برای مقابله با آن استفاده خواهد کرد، موضوع ضربه یا حمله بازدارنده به طور آشکار و جدی مطرح شد و ذهن برنامه ریزان نظامی و دفاعی ایران را به خود مشغول کرد. حادثه ۱۱ سپتامبر حمله آمریکا و اسرائیل به ایران را (هر چند که تحلیل گران معتقدند که اسرائیل فاقد این توانایی است) حداقل از منظر رهبران ایران «جدی» ساخته است، از این رو بعد از ۱۱ سپتامبر، حمله آمریکا به ایران در رأس برداشت ایران از تهدید نظامی بلافصل قرار گرفته است؛ تهدیدی که ایران را به طور جدی به سمت یافتن راه‌های «تلافی»، مرحله‌ای فراتر از بازدارندگی، فراخوانده است. این تهدید احتمالاً تا آینده قابل پیش بینی، تهدید «جدی» برای ایران و در رأس برداشت آن از تهدید نظامی خواهد بود. زیرا، تا قبل از ۱۱ سپتامبر، استراتژی و ابزار اصلی آمریکا برای مقابله مهار بود، اما بعد از ۱۱ سپتامبر بوش با طرح این بحث که سیاست مهار نتوانسته جلوی تهدیدات ایران و عراق را بگیرد، اعلان کرد که استراتژی آمریکا از این به بعد ضربه بازدارنده به عنوان ابزار اصلی امنیت آمریکا و متحدانش خواهد بود. از این رو، حادثه ۱۱ سپتامبر یک شرایط باز را برای حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران ایجاد کرده است و جمهوری اسلامی ایران را با یک محیط امنیت ملی نامطمئن و غیر قطعی بی سابقه بعد از جنگ ۸ ساله مواجه ساخته است (صدوقی، ۱۳۸۱: ۷۱۶-۷۱۵).

در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران تقویت توان نظامی را در دستور کار خود قرار داده است. نیروهای مسلح یکی از مهم ترین مؤلفه‌های قدرت نظامی هستند. منظور از نیروهای مسلح، نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و پلیس است که وظیفه آن‌ها به طور اعم پاسداری از امنیت داخلی کشور و به طور اخص دفاع از مرزها و جنگیدن با دشمن خارجی است. در حال حاضر نیروهای مسلح عبارتند از: ارتش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی (جهان‌تاب، ۱۳۸۵: ۳۱). در استای مقابله با تهدیدات اسرائیل، نقش سپاه پاسداران و ارتش برجسته تر است.

در خصوص نیروی دریایی باید گفت که آنچه که اهمیت نیروی دریایی را به عنوان یکی از بازوهای اجرایی راهبرد بازدارندگی پرننگ ساخته است، حضور نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان و نیز کنترل کانال اصلی انتقال انرژی جهان (تنگه ی هرمز) توسط ایران است. آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیروی دریایی ارتش ایران را حدود ۱۸ هزار نفر تخمین زده است. نیروی دریایی ایران شامل چهار بخش زیردریایی، قایق های تندرو مجهز به موشک، ناوچه های گشتی و واحدهای کمکی از قبیل واحدهای ناوبری دریایی، تفنگداران دریایی و واحدهای کماندوی دریایی است. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز حدود ۲۰ هزار نیرو شامل حدود ۵۰۰۰ تکاور دریایی دارد. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در چهار منطقه ی دریایی متمرکز هستند. منطقه ی یکم دریایی با پایگاه دریایی شهید باهنر واقع در بندرعباس، منطقه ی دوم دریایی با پایگاه شهید محلاتی واقع در بوشهر، منطقه ی سوم دریایی مستقر در شمال کشور با پایگاه دریایی نوشهر و منطقه ی چهارم دریایی در بابلسر. در کنار این چهار منطقه، پایگاه مستقل دریایی امام علی (ع) در چابهار، پایگاه تجسس ارونند و پایگاه هایی در عسلویه، برازجان، بندر جاسک مشغول فعالیت هستند. هم چنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پایگاه هایی نیز در خلیج فارس، تنگه ی هرمز و بسیاری از کانال های قابل کشتیرانی واقع در بین جزایر دارد. این پایگاه ها شامل اسکله ی نفتی هلول، فارسی، سیری، ابوموسی، بندرعباس، خرمشهر، قشم، لاوان و لارک می شود (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۲).

در اختیار داشتن این پایگاه های دریایی در شمال، جنوب غرب و جنوب کشور این امکان را به نیروی دریایی ایران می دهد تا هر گونه تهاجم خارجی را دفع نماید. آنچه که این خصوصیت را برای نیروی دریایی موجب شده است تا قابلیت مین ریزی، بمب گذاری، حمله به کشتی ها و اسکله ها کار با تسلیحات متعارف است که کارکنان نیروی دریایی به خوبی از آن برخوردارند. در حال حاضر، عرصه ی خلیج فارس و دریای عمان تحت کنترل این نیرو است و در صورت افزایش ناوهای جنگی و تسهیلات نظامی قابلیت عملیات در هر نقطه دیگری را خواهد داشت. این اقدام ایران از سوی رسانه های خارجی و تحلیل گران آنها عموماً تعبیر به هدف تهران برای خروج آمریکایی ها نه تنها از خلیج فارس بلکه از خاورمیانه شده است. مبنای استدلال آنها نیز صحت های محمود احمدی نژاد رئیس جمهور پیشین است که از برچیدن تمامی پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه سخن گفته بود (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲).

همچنین نیروی زمینی نیز نقش مهمی را در تقویت توان نظامی ایران در جهت مقابله با تهدیدات اسرائیل ایفا می کند. نیروی زمینی ایران شامل دو بخش ارتش و سپاه می باشد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در بدو انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل گردید و در حال حاضر، دارای تقریباً ۱۲۵ هزار نیرو است. از این تعداد ۱۰۰ هزار نیرو در قالب ۱۵ لشکر نقش اصلی در حفظ امنیت ایران را ایفا می کنند. در کنار نیروهای فوق گفته می شود قریب یک میلیون نیروی بسیجی نیز در ایران وجود دارد که در صورت نیاز می توانند در خدمت دفاع از کشور قرار بگیرند. از این تعداد ۹۰ هزار نیروی رسمی هستند. این نیرو در طول جنگ ایران و عراق رشادت های بسیاری از خود به نمایش گذاشت و در حال حاضر، توان و قابلیت های آن افزایش یافته است. هم چنین سپاه پایداران نیروی ویژه ای تحت عنوان سپاه قدس دارد که تخمین زده می شود بین ۵ تا ۱۵ هزار نیرو داشته باشد. منابع غربی مدعی اند این نیرو که عملیات های برون مرزی ایران را هدایت می نماید، نقش موثر در حمایت، پشتیبانی، آموزش و کمک مالی به جنبش های اسلامی در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، فلسطین، لبنان، بحرین، یمن ایفا کرده و در تشکیل حزب الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس تاثیر گذار بوده است. قرار داشتن این نیرو در خارج از مرزهای ایران و پیوند نزدیک آن با متحدان منطقه ای ایران باعث گردیده تا تحلیل گران غربی برای آن نقشی ویژه در بازدارندگی ایران قائل شوند (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۵).

علاوه بر نیروی زمینی، ایران دارای ارتشی متشکل از ۳۵۰ هزار نیروی در قالب نیروی زمینی می باشد که از این تعداد ۲۲۰ هزار نفر آن را سربازان وظیفه تشکیل می دهند که تحت کنترل پنج مرکز فرماندهی قرار دارند. این نیروها شامل ۴ لشکر زرهی، ۶ لشکر پیاده، یک تیپ نیروی ویژه، ۲ تیپ کماندو، یک تیپ هوایر، ۶ گروه توپخانه و تعدادی گروه های هوایر است. اگرچه نیروی زمینی ایران در سراسر کشور پراکنده شده اند، اما بیشترین تراکم آنها در طول مرزهای ایران و عراق است. از قابلیت های ویژه ی نیروی زمینی سپاه تاکتیک ها و شیوه های رزم خاص ایران است که برای بسیاری از فرماندهان نظامی غرب ناشناخته می باشد. این مسئله موجب شده تا هم چنان که در عملیات هایی هم چون بیت المقدس، طریق القدس، کربلای ۵ و فاو، ارتش عراق با حضور و در اختیار داشتن مشاوران نظامی غرب ضربات مهلکی را متحمل شود؛ بنابراین، پیش بینی هر گونه نبردی در آینده نیز سخت و دشوار باشد (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۶).

بخشی از توانمندی های ارتش ایران عبارت است از:

- بیش از ۱۶۹۳ فروند تانک، شامل ۱۶۱۳ تانک جنگی سنگین مدل تی - ۷۲، چیفتن، ام-۴۷، ام-۴۸، ام-۶۰، تی-۶۲ و ۸۰ تانک سبک شناسایی؛
- ۳۵ خودروی شناسایی، ۶۱۰ خودروی جنگی زرهی پیاده نظام و ۶۴۰ نفر بر زرهی؛
- بیش از ۸۱۹۶ شامل اراده ی توپخانه شامل راکت های چندگانه، خمپاره انداز، توپخانه ی کششی و خودکششی؛
- موشک های زمین به هوا شامل مدل های روسی SA-14, SA-16, SA-7 و چینی QW-1, HQ7 و نیز موشک های تاکتیکی زمین به زمین شامل حدود ۱۷۵ قبضه CSS-8 (چینی)، برخی موشک های نازعات، عقاب، حدود ۱۸ پرتابگر موشک اسکاد بی و اسکاد سی و بیش از ۳۰۰ موشک؛
- تعدادی موشک بالستیک میان برد شاهین - ۸ و ۲ خریداری شده از پاکستان (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶).

در خصوص هزینه های نظامی نیز باید گفت که اسرائیل هم به طور متوسط سالانه حدود ۱۳ میلیارد دلار بودجه نظامی اختصاص می داد که با توجه به فقدان تهدید جدی، این رقم بسیار زیاد به نظر می رسد. جمهوری اسلامی سالانه به طور متوسط با تخصیص حدود ۵/۶ میلیارد دلار در رتبه پنجم قرار می گیرد. بخش اعظم هزینه های انجام شده تحت تأثیر جنگ هشت ساله با عراق و بازسازی بخش نظامی پس از جنگ بوده است. در مراحل بعدی پاکستان ۴/۳ میلیارد دلار و قزاقستان ۷۰۰ میلیون دلار در این حوزه هزینه کرده اند (شعرباف، ۱۳۹۰: ۱۱۶). با توجه به این امر، لزوم توجه بیش از پیش به هزینه های نظامی احساس می شود. در این راستا، مقام معظم رهبری برای اولین بار راهبرد تهدید در مقابل تهدید را بیان فرمودند: «ما اهل تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کشوری نیستیم؛ ما هرگز اقدام به جنگ خونین نمی کنیم، ملت ایران این را به اثبات رسانده است، اما ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد. ما ملتی نیستیم که بنشینیم تماشا کنیم قدرتهای پوشالی مادی که از درن کرم خورده و موریانه خورده اند، ملت استوار و پولادین ایران را تهدید کنند.» «ما در مقابل تهدید، تهدید می کنیم.» هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله اش خطور کند، باید خود را آماده ی دریافت سیلی های محکم و مشت های پولادین کند؛ از سوی ملت مقتدر ایران، از سوی نیروی های مسلح، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مردمی و پشت سر همه، ملت بزرگ ایران. و بدانند هم آمریکا بداند، هم دست نشاندهانش بدانند، هم سگ نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بداند؛ پاسخ ملت ایران به هر گونه تعرضی، هر گونه تجاوزی، بلکه هر گونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آنها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری امام علی (ع) : ۱۳۹۰/۸/۱۹ در کلانتری و افتخاری، ۱۳۹۳: ۷۹).

تقویت نیروهای نظامی با توجه به پیشرفت های فناورانه تأثیر مهمی در نتیجه بازدارندگی می گذارد. دستیابی به موشک های بالستیک برد کوتاه و متوسط را در همین راستا می توان ارزیابی نمود. یکی از ابزار بازدارندگی ایران در ارتباط با پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و به خصوص در اطراف مرکزهای ایران برجسته نمودن توان موشکی ایران است. راه اندازی موشک های بالستیک در کشور به نوعی ارسال سیگنال های تهدید برای رقبای ایران در منطقه از جمله اسرائیل و همچنین پایگاه های نظامی آمریکاست. توانمندی موشکی به عنوان ابزاری کارآمد امکان عکس العمل سریع را به ایران می دهد. فرماندهان عالی رتبه نظامی ایران نیز تأکید کرده اند در صورت اقدام نظامی علیه ایران، این کشور بر تمام پایگاه های آن کشور مشرف است و این پایگاه ها در تیررس ایران بوده و می تواند از سوی ایران مورد تهدید و هدف گیری قرار گیرند (صالحی و فرح بخش، ۱۳۹۵: ۵۵).

۲- تقویت توان موشکی

سیاست دفاعی هر دولت واکنشی است به تهدیدات عینی و ذهنی برخاسته از محیط امنیتی خود با توجه به اهداف، منافع، ارزش های اساسی و میزان قدرت دولت. سیاست دفاعی دارای دو کارکرد ویژه است، نمایش قدرت و استتار قدرت (پوشاندن نقاط آسیب پذیر). این سیاست دفاعی است که تشخیص می دهد در چه زمان باید به نمایش قدرت و در چه زمانی به استتار آن پرداخت. سیاست دفاعی آینده نگر در حوزه ی نظامی واجد خصوصیات تهاجمی، تدافعی و بازدارنده و در سایر حوزه ها دارای مناسب ترین رویکرد و نگرش هاست. سیاست خط مشی ها و رهنمودهایی هستند که برای راهنمایی، تفکر، تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آنها در اجرای راهبرد سازمان تدوین می شوند. سیاست دفاعی، خط مشی ها و راه کارهای یک دولت اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... برای به کارگیری عناصر قدرت ملی

به منظور برقراری امنیت ملی و رفع تهدیدات داخلی و خارجی و رویارویی با حوادث غیر مترقبه (کلانتری و افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۰). در این راستا، برنامه های موشکی ایران و تلاش برای توسعه آن در راهبردهای دفاعی از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به تهدیدات ایران هراسانه رژیم صهیونیستی، توسعه این برنامه ها، همواره در راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بوده است.

هسته اصلی نیروی موشکی ایران را موشک اسکاد - بی تشکیل می دهد که توسط روسیه طراحی شده، تک مرحله ای و با سوخت مایع است. ایران نخستین موشک اسکاد - بی را در واکنش به هجوم عراق از لیبی دریافت کرد، اما بعدها تعداد بیشتری را از کره شمالی وارد کرد. نمونه ایرانی این موشک شهاب - ۱ نام گذاری شده است. همچنین شهاب - ۲ طراحی ایرانی از نمونه اسکاد - سی است که یک مرحله بالتر از اسکاد - بی است. موشک قیام، دروازه ورود ایران به عرصه تازه در ساخت موشک های بالستیک است که براساس شهاب - ۲ ساخته شده است و با بهره گیری از روش های فناوری دقیق، هدایت و کنترل برای ایجاد پایداری بی نیاز از باله طراحی شده است و برد آن به ۸۰۰ کیلومتر افزایش یافته است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۶).

ایران در پایان دهه ی ۹۰ چند پروژه ی جدی را درباره ی برنامه ی موشکی آغاز کرد. این پروژه ها عبارت بودند از تقویت برد و کلاهک موشک شهاب ۳ و موشک شهاب ۴ که بیش تر مرتبط با صنعت پرتاب ماهواره است و قادر به ضربه زدن به آمریکا نیست. ایران در کل تا اواسط سال ۲۰۰۷ تنها توانسته بود موشک های شهاب ۳ را به صورت عملیاتی و موشک عاشورا را برای اولین بار به صورت آزمایشی تست کند. برد موشک شهاب ۳ بین ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ و موشک عاشورا افزون بر ۲۰۰۰ کیلومتر است. در حال حاضر، با دستیابی ایران به موشک عاشورا باید گفت هر نقطه از خاورمیانه در تیررس موشک های ایران قرار دارد. از پایگاه هوایی اینجریلیک ترکیه تا پایگاه هوایی دیه گو گارسیا در اقیانوس هند و از تل آویو تا مراکز نظامی آمریکا در دریای سرخ، از این رو، هر متجاوز فرامنطقه ای و منطقه ای یقین می کند که از عواقب تجاوز خود در امان نخواهد بود. دستیابی ایران به موشک عاشورا انعکاس های خبری وسیعی در سراسر جهان داشت. این موفقیت موجب گردید تا برخی اسناد آمریکایی از پیش بینی دستیابی ایران به موشک های قاره پیما تا سال ۲۰۱۵ خبر دهند (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۷۵).

با تولید شهاب - ۳ برتری دفاعی ویژه ای به ایران داده شد و این کشور تا سطح موشک های بالستیک ارتقا یافت، اما از آنجا که برد آن کوتاه است نمی تواند به عنوان موشک قاره پیما عمل کند؛ بنابراین نمونه های دوربرد آن با فناوری بالاتر در حال توسعه است. ایران در حال تولید و توسعه موشک شهاب - ۴ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر است که نسخه ای از موشک دو مرحله ای تپودونگ کره شمالی است که در صورت استفاده از فناوری سه مرحله ای قادر به پوشش تمام کشورهای غربی خواهد بود. شهاب - ۵ نیز ویژگی های موشک تپودونگ کره شمالی را دارد که دو مرحله ای است و برد آن حدوداً ۶۰۰۰ کیلومتر برآورد شده است. موشک شهاب - ۶ نیز که از راکتی با سوخت جامد که دو یا سه مرحله ای است استفاده می کند، بیشتر شبیه شهاب - ۵ است؛ اما با کم کردن وزن، برد آن از ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کیلومتر می رسد (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۶).

به خاطر برد کوتاه شهاب - ۳ تلاش شد موشکی با برد بیشتر و با سوخت جامد و مایع تولید شود؛ موشک های مبتنی بر شهاب - ۳ با سوخت مایع را قدر ۱ و با سوخت جامد را سجیل و عاشورا می نامند. قدر ۱ لحاظ سرعت جزء سریعترین موشک های دنیاست که برخی از منابع برد آن را ۲۵۰۰ کیلومتر تا ۳۰۰۰ کیلومتر تخمین زده اند. این موشک توان ضربه زدن به دورترین نقاط اروپا را داراست و بیش از ۷۰ درصد آسیا را در تیررس توان موشکی خود قرار می دهد. سجیل نخستین موشک دوربرد (۲۰۰۰ کیلومتر) با سوخت جامد است که برخی از کارشناسان آن را برترین موشک بالستیک ایران می دانند که از سامانه پرتاب متحرک برخوردار است. موشک عاشورا ستون فقرات نیروی موشکی ایران است (ستون بالستیک دوربرد) که توانایی موثر ضربتی در مقابل مراکز جمعیتی و اهداف نقطه ای را فراهم می کند و همچنین جزء نخستین موشک های بالستیک دو مرحله ای با سوخت جامد ایران است. اما نخستین موشک دوربرد بالستیک ایران که قابلیت هدایت و کنترل تا لحظه اصابت به هدف را دارد، موشک عماد است که قادر به انهدام اهداف خود با دقت بالایی است. این موشک قدرت بازدارندگی ایران را بیش از پیش افزایش داده است. برد آن را ۱۷۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر تخمین زده اند و ضریب خطای آن کمتر از ۵ متر است که در مقایسه با شهاب - ۳ دقت آن چهار برابر شده است؛ این موضوع نشانگر جهشی بزرگ در بحث دقت است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۷).

سامانه های موشکی ایران، تابع انواع تهدیدات طراحی شده اند. اهداف زمینی، هوایی و دریایی و الزامات آن هدایتگر نوع و کاربرد آن در این سامانه ها بوده است. مهم ترین اهداف در دریا را ناوهای جنگی تشکیل می دهند. یحیی رحیم صفوی،

فرمانده پیشین سپاه پاسداران تأکید می‌کند: «سامانه‌های موشکی ساحل به دریای ما، عرض و طول خلیج فارس و دریای همان را می‌تواند زیر پوشش ببرد و هیچ ناو شناوری از خلیج فارس نمی‌تواند عبور کند، مگر این که در تیررس موشک‌های ساحل به دریای ما قرار گرفته باشد» (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۸).

در دسته‌بندی موشک‌ها، معیارهای خاصی وجود دارد؛ از یک منظر می‌توان آن‌ها را به دو دسته تهاجمی و تدافعی تقسیم کرد. اغلب موشک‌ها کاربردی تهاجمی دارند، اما کاربرد موشک‌های تدافعی در روند دفاع ضد موشک است. موشک‌های ایران اساساً دارای کاربردی تدافعی هستند، به این معنا که ایران از موشک‌های خود که از لحاظ فنی تهاجمی هستند تنها در زمان تهدید علیه امنیت و تمامیت سرزمینی کشور استفاده خواهد کرد. در یک دسته‌بندی دیگر، موشک‌ها به چهار نوع کوتاه برد، میان برد، متوسط و [موشک‌های بالستیک] دوربرد یا قاره پیما قابل تقسیم است. نیروی موشکی ایران برد گسترده‌ای از اهداف استراتژیک را پوشش می‌دهد که از یک سو شامل موشک‌های کوتاه برد است که اهداف محصور و محدود نیروی زمینی را پوشش می‌دهد و از سوی دیگر شامل موشک‌های میان برد و دوربرد می‌شود که قادر به پوشش سراسری اهداف منطقه‌ای است. موشک‌های دوربرد ایران توانایی ضربه زدن به اهدافی در رژیم صهیونیستی، خلیج فارس، عربستان، ترکیه، پاکستان و بخشی از آسیای مرکزی و روسیه جنوبی و اروپا را دارد از شروع جنگ تحمیلی توانایی موشکی دوربرد ایران گسترش یافت. این نوع موشک‌ها دارای ارزش استراتژیک و سیاسی برای ایران هستند، اما هنوز امکان پیش‌بینی برد و دقت آن‌ها ممکن نشده است. با دستیابی به موشک‌های دوربرد و توسعه یافته، نفوذ استراتژیک ایران گسترده شده و کارشناسان نظامی روزی را نوید می‌دهند که توانمندی موشکی ایران قادر به پوشش سراسری روسیه، اروپا و حتی آمریکا باشد (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۱).

در حقیقت می‌توان هدف ایران از دستیابی به موشک‌های دوربرد را، کسب و حفظ جایگاه منطقه‌ای خود و همچنین ایجاد بازدارندگی در مقابل آمریکا و اسرائیل در منطقه دانست. همچنین در مورد موشک‌های بالستیک میان قاره‌ای باید گفت، این موشک‌ها دارای بردی بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر هستند و در طول تاریخ تنها پنج کشور (ایالات متحده، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه) به آن دست یافته‌اند که از آن میان تنها روسیه و آمریکا به صورت بومی قادر به تولید آن شده‌اند. در یک تقسیم‌بندی دیگر، دو دسته مشهور موشک‌های بالستیک و کروز قابل ذکر هستند؛ موشک‌های بالستیک راکت‌های هدایت شونده‌ای هستند که بخش عمده‌ای از برد خود را از خارج از جو طی می‌کنند و تنها نیروی کنشی خارجی آن‌ها نیروی جاذبه زمین است. در حالی که تمام برد موشک‌های کروز در جو زمین با سرعت و ارتفاع تقریباً ثابت طی می‌شود. برخورداری از مزیت‌هایی همچون؛ هزینه‌های عملیاتی کم، توانایی نفوذ در سیستم‌های دفاعی، نماد قدرت ملی کشورها و شناخت آن‌ها به عنوان سلاح‌های جنگی، دستیابی به هر دو نوع موشک را برای کشورها ارزشمند می‌سازد. ایران هر دو نوع موشک را داراست و قادر به تولید آن‌ها نیز هست. از عوامل مؤثر بر بازدارندگی داشتن تسلیحاتی است که توان برد و کافی برای هدف قرار دادن دشمن بهره‌مند باشند. موشک‌های بالستیک این امکان را در اختیار ایران قرار داده‌اند تا اهدافی را مورد حمله قرار دهند که بسیار فراتر از مرزها و همچنین شعاع پرواز جنگنده‌های آن است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۱).

اگر چه ایران دارای تجربه فراوانی در صنعت موشکی است، اما از یک طرف به شدت نیازمند منابع مالی و زمان و از رطف دیگر فناوری لازم است که حمایت خارجی را طلب می‌کند. یکی از راهبردهای آمریکا برای جلوگیری از تحقق اهداف ایران در این زمینه به توافق رسیدن با کره ی شمالی و تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی علیه ایران است تا شاید بتواند برنامه‌های نظامی ایران را متوقف کند. قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و اصرار برای گنجاندن موضوع بازدید از پارچین، لویزان و تأسیسات نظامی ایران در دستور کار دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران که در اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ برگزار گردید، نشان از گوشه‌ای از تلاش‌های عملی آمریکا در محدود ساختن ایران در این راه دارد. با این حال، هیچ یک از این قطعنامه‌ها تاکنون نتوانسته‌اند مانع از پیشرفت صنایع موشکی ایران شوند و تیم مذاکره‌کننده ی هسته‌ای ایران نیز به هوشیاری در برابر هرگونه فشاری در این خصوص مقاومت کرده است. تولید موشک نقطه‌زن که قابلیت رهگیری موشک‌ها را در آسمان دارد، آخرین دستاورد ایران در سال ۹۳ است که با وجود فشارها و تحریم‌های فوق‌الذکر سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه از ساخت آن خبر داده است (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۵).

از سوی دیگر، نیروی هوایی ارتش ایران ۵۲ هزار نیرو دارد که از این تعداد ۱۲ هزار نفر آن در خدمت نیروی دفاع هوایی هستند. این نیروها تقریباً با ۳۱۹ هواپیمای جنگی تجهیز شده‌اند. نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تخمین زده می‌شود ۵۰۰۰ نیرو دارد. از نیروی هوایی به عنوان بخشی از توان بازدارنده ایران یاد می‌شود. موفقیت‌های این نیرو در ساخت انواع رادار، موشک، پهباد، هواپیماهای آذرخش، رعد، صاعقه و ساخت قطعات مختلف هواپیما و بالگرد

که بعد از انقلاب به واسطه تحریم ها در اختیار ایران قرار نمی گرفت موجب گشته تا سهم این نیرو در پوشش عملیات های زمینی و دفاع از حریم هوایی کشور دو چندان گردد. نمونه اخیر این موفقیت در ۱۳ خرداد ۹۳ اعلام شد. نیروی هوایی ایران در این روز با حضور وزیر دفاع کشور از توانمندی جدیدش برای تعمیر و به روزسانی ۲۰ دستگاه بالگرد و تحویل مجدد آن به ارتش خبر داد. تا پیش از این به واسطه ی این که آمریکا به عنوان سازنده ی بالگردهای فوق از قرار دادن قطعات یدکی به بالگردهای مذکور امتناع می ورزید، این بالگردها غیرقابل استفاده شده بود. این محرومیت بسیاری از تحلیل گران نظامی را به این جمع بندی رسانده بود که ایران توانایی استفاده از تجهیزات خریداری شده پیش از انقلاب از آمریکا را ندارد (دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).

کماکان بدنه اصلی نیروی هوایی ارتش ایران را هواپیماهای F-7M, MiG-29, F-14, RF-4E, F-5B, Mirage F-1, SU-24MK, F-4D/E, F-5E/FII به عنوان هواپیماهای بمب افکن، شکاری و شناسایی و هواپیماهای F-27, B-727, B-747F, B-707, C-130 به عنوان هواپیماهای ترابری و سوخت رسان تشکیل می دهند (بشری، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵).

توانمندی نیروی هوایی ایران تنها مختص به در اختیار داشتن انواع هواپیما و بالگرد نظامی نیست. طبق گزارش موازنه ی نظامی آمریکا، نیروی هوایی سپاه پاسداران شامل یک تیپ موشکی با ۱۲ الی ۱۸ پرتابگر موشک شهاب ۱ و ۲ و یک گردان با ۶ پرتابگر مجهز ده به موشک های شهاب ۳ با برد متوسط ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ کیلومتر است. بنابراین، به راحتی می تواند اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی و سایر متحدین آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد. هم چنین ایران در سال ۲۰۱۱ و در جریان رزمایش پیامبر اعظم موشک های عاشورا و نسل جدیدی از موشک شهاب ۳ را آزمایش کرد که بردی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر داشتند. این آزمایش ها که بعدا با پرتاب ماهواره های مخابراتی هم چون امید، کاوشگر ۱، مصباح، سینا ۱ و ... به فضا همراه شدند، اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش به نمایش گذاشتند. علاوه بر بعد آفندی در بحث پدافند نیز نیروی هوایی ایران پیشرفت های چشم گیری داشته است. قرارگاه خاتم الانبیا یکیز مهم ترین قرارگاه های دفاع هوایی کشور است که بر اساس تدابیر و اوامر فرماندهی کل قوا، مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۷۱ مسئولیت هماهنگی فعالیت های پدافند هوایی ارتش و سپاه را عهده دار شده است. این قرارگاه که در ساختار سازمانی قبلی هدایت و کنترل عملیاتی یگان های پدافند هوایی نیروهای مسلح را برعهده داشت، در ساختار تشکیلاتی جدید با تحویل گرفتن کامل یگان های پدافند هوایی نیروی هوایی و اعمال فرماندهی کامل بر این یگان ها و نیز در اختیار گرفتن فرماندهی اطلاعات و شناسایی، شبکه ی راداری، موشکی و توپخانه ها و دیده بانی و سامانه های پشتیبانی رزمی و عمومی یگان های مذکور، از طریق سامانه ی فرماندهی و کنترل پدافند هوایی (Adoc-soc - crc-cp) مسئولیت کنترل عملیات هوایی کشور را برعهده دارد (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸).

روند رو به گسترش تقویت و توسعه سیستم موشکی ایران نشانگر دو هدف عمده در سیاست دفاعی است؛ پیشرفت موشکی ایران از یک سو باعث افزایش و تقویت قدرت نظامی و دفاعی این کشور در روابط با منطقه و فرا منطقه شده و از سوی دیگر باعث گسترش توان بازدارندگی به خارج از مرزهای آن شده است. از پیامدهای مهم توسعه توان موشکی کشورها در جهان امروز، کاهش اهمیت جغرافیا است، بنابراین تقویت فعالیت های موشکی این توانمندی را برای ایران به وجود می آورد تا برای ورود به جنگ و درگیری، هم مرز بودن با دشمن برای دفع تهدیدات جزو اولویت های مهم نباشد؛ چون استفاده از موشک های دوربرد و با دقت بیشتر قدرت بازدارندگی را به خارج از مرزها تسری داده است. همچنین موفقیت های ایران در افزایش قابلیت های موشکی از لحاظ دقت و برد، قدرت ضربتی نیروهای مسلح را تا حد زیادی افزایش داده و توان ویژه دفاعی به ایران داده است که در این صورت سیاست دفاعی آن قادر خواهد بود با تهدیداتی که از دوردست متوجه امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور است، مقابله کند. بر این اساس، دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران با تحول در فناوری سیستم موشکی به فراتر از مرزهای جغرافیایی اشاعه یافته و همچنان در حال گسترش است.

۳- مانورها و رزمایش های نظامی

اصولاً سیستم بازدارندگی منطقه ای به ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه ای مانند ایران، در پاسخ به سیستم کنترلی قدرت مداخله گر طراحی می شود. به عبارتی مهم ترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، استراتژیک محسوب شده و برای مقابله با آن سیستم بازدارندگی خود را طراحی می کنند، تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله گر منطقه ای در منطقه و اقدامات استراتژیکی آن است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۹).

در جهت اتخاذ سیستم بازدارندگی، رزمایش ها و مانورهای نظامی از اهمیت زیادی در جهت مقابله با تهدیدات اسرائیل برخوردارند. رزمایش ها و عملیات روانی در حوزه کارکردهای قدرت، قابلیت های عملیاتی و واکنش سریع، تجهیزات و

سلاح‌ها به ویژه وسایل و جنگ افزارهای راهبردی، طرح‌ها و برنامه‌ها، اطلاعات امنیتی و طبقه‌بندی شده در مقابل دسترسی دشمن، دارای طرح و برنامه‌های اجرایی بوده و سعی می‌کند با اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و دادن آگاهی‌های لازم به کارکنان به هر گونه جریان ضد قدرت در نیروهای مسلح به ویژه آن دسته از آثار جنگ روانی دشمن که برای از بین بردن روحیات سلحشوری، اعتقادات، باورها، ایثار، شهادت طلبی و وفاداری کارکنان انجام می‌گیرد و با قدرت نظامی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح منافات دارد مقابله کند تا بدین طریق از کارکردهای قدرت حفاظت به عمل آورد. تبلیغات در نیروهای مسلح نقش عمده و ریشه‌ای در آگاه‌سازی و دادن اطلاعات لازم به کارکنان در طبقات مختلف دارد. مشخص کردن تمامی ابعاد تهدیدات، نیات و اهداف جنگ روانی دشمن، شیوه‌های نفوذ دشمن و اطلاعات لازم در زمینه توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خودی باعث می‌شود که سطح آگاهی کارکنان ارتقا یابد و هنگامی که مخاطب جنگ روانی دشمن قرار می‌گیرند به گونه‌ای عمل کند تا به روحیه و وفاداری آنها خدشه‌ای وارد نشود، در این شرایط فرد می‌تواند با شناختی که از روش‌ها و شیوه‌های نفوذ دشمن دارد خود را در مقابل جنگ روانی دشمن حفاظت و از نفوذ او جلوگیری کند ایجاد آگاهی‌های بازدارنده در نیروهای مسلح از فعالیت‌های مهم عملیات روانی است که نیاز هست مدام و همپای فعالیت‌های روانی دشمن انجام گیرد (موسوی و کامکار، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۰).

۴- تشکیل ائتلاف‌های نظامی و دیپلماسی دفاعی

تاریخ همکاری‌های دفاعی ایران نشان می‌دهد که پیمان‌های دفاعی ایران در دوران قبل از انقلاب تابعی از شرایط و نشانه‌های بین‌المللی بوده است. این امر در شرایطی که نقش سیاسی و بین‌المللی ایران ارتقا یافت، از اهمیت و مطلوبیت متفاوتی برخوردار شده است. هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران منادی دفاع از موجودیت و جایگاه سیاسی کشورهای منطقه می‌باشد. این امر تاثیر خود را در نقش ملی ایران منعکس می‌سازد. به‌طور کلی مواضع اتخاذ شده از سوی رهبران سیاسی و استراتژیست‌های ایران، بیانگر چگونگی نقش ملی ایران در حوزه سیاست دفاعی است. این امر براساس جلوه‌هایی از همکاری، مشارکت و همبستگی منطقه‌ای و ایدئولوژیک مفهوم می‌یابد. بر مبنای چگونگی نقش ملی ایران، تکالیف و وظایفی فراوری جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر گونه مواضع و رویکردی در حوزه دفاعی و استراتژیک، می‌بایست دارای پیامدهای اجرایی و عملی نیز باشد. موقعیت دفاعی ایران نه تنها براساس قالب‌های تاریخی و سنتی قابل تفسیر است، بلکه می‌توان آن را بر مبنای ضرورت‌های موجود سیاست دفاعی ایران در حوزه خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی و قفقاز نیز مورد توجه و تحلیل قرار داد. هر یک از حوزه‌های جغرافیایی یاد شده را می‌توان به عنوان یکی از عرصه‌های همکاری دفاعی ایران دانست. به‌طور کلی بعد از پایان جنگ سرد، کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی دچار خلاء امنیتی و استراتژیک شده‌اند. انعکاس و بازتاب آن را می‌توان در جنگ قره‌باغ، منازعات آبخازیا و هم‌چنین بحران اوستیای جنوبی مورد توجه قرار داد. حادثه عقب‌نشینی روسیه از گرجستان و فشارهای بین‌المللی علیه روسیه را می‌توان در زمره نشانه‌هایی دانست که حوزه‌های ابهام بین‌المللی در عرصه‌های امنیتی را منعکس می‌سازد. بنابراین سازمان‌دهی پیمان‌های دفاعی در فضای خلاء امنیتی در زمره ضرورت‌های استراتژیک محسوب می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۷).

تجربه اسرائیل نشان داده است که در بهترین حالت حکومت‌ها تنها می‌توانند مساله تروریسم را مدیریت کنند که برای این نوع مدیریت نیازمند اقدام نظامی تهاجمی، ابزارهای بالای امنیتی برای پیشگیری از حملات تروریستی عوامل تندرو و ایجاد ائتلاف با عناصر سیاسی معتدل هستیم (نون، ۱۳۸۹: ۸۳).

بنابراین، توجه به نیازهای امنیتی مشروع ایران می‌تواند جمهوری اسلامی را برای پیگیری اهداف متعادل تری در منطقه یاری نماید. بخشی از دغدغه و نیازهای امنیتی ایران عبارتند از توان نظامی آمریکا و اسرائیل که برای مقابله با آن تلاش می‌کند... دیدگاه ایران نسبت به مسائل منطقه‌ای که امنیت این کشور را تهدید می‌کند- شاید جدا از حضور نظامی آمریکا در منطقه- گذشته از اینکه چه کسی در ایران بر سر قدرت باشد، هم چنان بدون تغییر باقی خواهد ماند... امروزه امنیت ایران بیشتر مبتنی بر استراتژی تدافعی است... ایران با مسایل جدی در منطقه روبه‌روست. ایران باید با ناآرامی و جنگ داخلی در چند کشور همسایه به ویژه در افغانستان مقابله کند... ایران از آن نگران است که پاکستان روز به روز بی‌ثبات‌تر شده و زیر نفوذ مسلمانان رادیکال سنی شبیه طالبان قرار گیرد... تحولات یاد شده نشان می‌دهد که این منطقه دربرگیرنده منازعات گوناگونی است که دارای ابعاد نظامی مهمی هستند و لاینحل باقی مانده‌اند... ساختار نیروی نظامی متعارف ایران از ضعف قابل ملاحظه‌ای رنج می‌برد و دچار محدودیت‌های متنوعی است. به همین دلیل این کشور، هم چنان «استراتژی لانه‌ای» را تعقیب می‌کند.

۵- اتخاذ سیاست های دفاعی مدون و راهبردی

تا آنجایی که به جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌گردد دو عامل در شکل دادن به دکترین دفاعی کشور بسیار مهم بوده‌اند: ایدئولوژی (اسلام) و تاریخ نظامی. اسلام به عنوان ایدئولوژی نظام تمام نهادهای اجتماعی من جمله نیروهای مسلح را تحت تأثیر قرار داده است. به همین ترتیب جنگ ۸ ساله با عراق (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) و درگیری‌های ناشی از آن با ارتش آمریکا عمیقاً در شکل دادن به تفکر نظامی در ایران مؤثر بوده است. اثرات اسلام بر چند جنبه از دکترین دفاعی مشهود است. اولین آن‌ها تأکید بر بازدارندگی است. آیه ۶۰ از سوره انفال در قرآن کریم می‌فرماید: «و شما [ای مومنان] در مقام مبارزه با آن‌ها [کفار] خود را مهیا کنید و تا آن حد که می‌توانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خود فراهم سازید...». حضرت امام رضوان الله علیه با اشاره به این آیه نتیجه‌گیری می‌کردند که کشور جمهوری اسلامی باید آنچنان قوای نظامی به وجود بیاورد که صرف وجود آن دشمنان را از فکر تجاوز نظامی به این سرزمین مقدس باز دارد. تجربه ایران در طی جنگ تحمیلی نیز عامل مهمی در تأکید بر بازدارندگی بود. زعمای کشور معتقد بودند که از آنجا به ایران حمله نمود که هرج و مرج حاکم بر کشور پس از انقلاب پاکسازی نیروهای مسلح و از دست رفتن حمایت سیاسی - نظامی قدرت‌های بزرگ از ایران این توهم را در ذهن رهبران عراق ایجاد کرده بود که توان بازدارندگی نیروهای مسلح کشور به شدت کاهش یافته است. و لذا غلبه بر ایران حتمی است. استفاده گسترده عراق از موشک‌های بالستیک در جنگ تحمیلی برای وادار کردن ایران به خاتمه جنگ نیز این تصور را در ذهن رهبران سیاسی و نظامی کشور ایجاد کرد که اگر ایران می‌توانست با همان مقدار موشک یا بیشتر مقابله به مثل کند، رژیم بعث از به کارگیری انواع موشک‌ها خودداری می‌نمود (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۲).

خطوط و جهت‌گیری‌های کلی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قالب قانون برنامه پنجم به طور بارزی در راستای تأمین نیازهای سنتی و نوین دفاعی کشور و با انطباق با اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه پنجم تدوین و تعیین شده است. ماده‌ی ۱۹۵ و ۲۰۵ از این قانون، مجموعه‌ی دولت و به طور خاص وزارت دفاع را موظف ساخته تا در راستای تأمین منویات دفاعی کشور با هدف دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و نیز مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی پیش‌بینی‌ها و اقدامات لازم را به انجام برساند، تأکید بر ایجاد زیرساخت‌ها برای مشارکت دستگاه‌های دولتی و بخش غیردولتی در برنامه‌های دفاعی در شرایط بحرانی (بند چهارم، ماده ۱۹۵)، ارتقای کمی و کیفی سامانه پدافند هوایی کشور (بند ۲) با توجه به نیازهای بازدارندگی همه جانبه و اهمیت حوزه‌ی هوایی در تأمین امنیت پایدار کشور، تأکید خاص بر تقویت حضور و ارتقای زیرساخت‌ها به منظور گسترش حوزه و استقرار مؤثر در حوزه‌های آبی کشور و حفاظت از خطوط دریایی با تأکید بر آب‌های آزاد (بند ۲) با هدف پاسخ‌گویی به ضرورت‌های دفاعی نوین در بحث دریاها، بهره‌گیری از فرصت خدمت وظیفه عمومی برای تقویت مهارت و دانش نیروها و همچنین اهتمام به غنی‌سازی شغلی و ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی نیروها مهم‌ترین محورها و ابزارهای در نظر گرفته شده در تأمین و نیل به اهداف است. این ابزارها با مواردی که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد به خوبی در راستای تأمین امنیت و انطباق‌پذیری مطمئن نظر واقع شده است (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۰).

در ذیل تبصره ماده‌ی ۱۹۵، این قانون وزارت دفاع را به نام اموری مکلف کرده است حاکی از یک نگاه بلندمدت و مسئولانه به امر دفاع و ضرورت انطباق با نیازهای روز است. اهمیت دادن به تقویت ناوگان هوایی از طریق خرید، بازسازی، نوسازی و نگهداری هواپیماها و بالگردها و ایمن‌سازی پروازها نخستین محور این بخش است. اهمیت سامانه‌ی دفاعی و ضرورت ایجاد ایمنی در انتقال اطلاعات باعث شده تا این فرایند همگام با مراقبت پیشرفته در ابعاد راهبردی، فضایی، هوایی، دریایی و زمینی با هدف شناسایی تهدیدها و مقابله سریع و مؤثر با آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. اهمیت توسعه‌ی انسانی در بخش دفاعی با هدف ایجاد تمرکز و افزایش روحیه منجر شده تا در ذیل تبصره پنجم ماده ۱۹۵ بر ارتقای کمی و کیفی سامانه رسیدگی، خدمات‌رسانی و حمایت از کارکنان نیروهای مسلح در مأموریت‌های دفاعی و امنیتی تأکید ویژه‌ای شود. علاوه بر حفظ امنیت و ضرورت‌های دفاعی، در نظرگیری مسأله‌ی بازدارندگی همه جانبه باعث شده است تا ماده‌ی ۲۰۱ از قانون برنامه‌ی پنجم هوشمندسازی سیستم‌های دفاعی را اولویت بخشیده و از رهگذر پیش‌بینی اقدامات ذیل به دنبال تأمین و به روز رسانی آن باشد (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

۶- تقویت جبهه مقاومت**۱- افزایش عمق استراتژیک ایران**

برخی افراد حمایت جمهوری اسلامی ایران از این جنبش را صرفاً در چارچوب قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب مطرح می‌کنند. ولی به این رابطه می‌بایست به صورت واقع‌بینانه نگاه کرد؛ زیرا حمایت از حزب‌الله باعث افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. چنان که اسرائیل نیز در صدد افزایش عمق استراتژیک خود بوده و در این راه اقدام به بستن قراردادهای نظامی با ترکیه به منظور دسترسی به پایگاه‌های نظامی مجاور ایران می‌کند تا هر زمانی که خواست تهدیداتش را علیه ایران عملی کند. به بیان دیگر، اسرائیل می‌خواهد به جمهوری اسلامی ایران بفهماند که در پایگاه‌های نظامی نزدیک مرزهای ایران حضور دارد و قادر است این مراکز را تهدید کند. لذا جمهوری اسلامی ایران نیز با سرمایه‌گذاری در لبنان و بر روی حزب‌الله در همسایگی مرزهای اسرائیل، ضمن برخورداری از نفوذ بر این جنبش شیعی در مقابل اسرائیل و مجاور آن، دارای اهرم تهدیدکننده‌ی امنیت ملی این رژیم است و از آن ضمن مقابله با تهدیدات اسرائیل، جهت خنثی نمودن تهدیدات آمریکا نیز بهره می‌گیرد. با این نگاه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اقدامات اسرائیل در کنار مرزهایش، از این فرصت استفاده کرده و از روابط نزدیک با گروه‌های مقاومت اسلامی که در مجاور اسرائیل هستند از جمله حزب‌الله در جهت افزایش عمق استراتژیک خود استفاده می‌کند و از آن به عنوان ابزار بازدارندگی در مقابل اسرائیل بهره می‌گیرد، البته این ابزاری است که تمام کشورها از آن استفاده می‌کنند. لذا با نگاهی واقع‌گرایانه، می‌توان به این نتیجه رسید که حمایت از حزب‌الله به عنوان یک جنبش اسلامی به نفع جمهوری اسلامی ایران است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۴۰).

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر گفتمان اسلامی، اندیشه جهاد و شهادت و مبارزه با ظلم و ظالم به حمایت معنوی گسترده از محور مقاومت در برابر اسرائیل پرداخته است و دایره تهدید امنیتی علیه اسرائیل را تنگ تر نموده است. نمونه های این تقابل سخت افزارانه را در برخی از جنگ ها از جمله جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل در ژوئیه ۲۰۰۶، جنگ ۲۲ روزه غزه در دسامبر ۲۰۰۸، قدرت یابی حماس و جهاد اسلامی، جنگ ۸ روزه در نوامبر ۲۰۱۲ و جنگ ۵۱ روزه در ۲۰۱۴ می توان مشاهده نمود. در این راستا ایران حزب الله لبنان را نوک پیکان مبارزه با اسرائیل قرار داده و حمایت معنوی از آن سرلوحه سیاست خود می داند. در حقیقت حزب الله لبنان یکی از مؤلفه های قدرت سخت افزاری ایران در حوزه تقابل هوشمند با اسرائیل به عنوان یکی از پایه های اساسی محور مقاومت است (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۲).

حمایت از حزب‌الله به عنوان متحد استراتژیک ایران در کنار مرزهای شمالی اسرائیل باعث افزایش عقبه استراتژیک سیاسی، دفاعی و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران تا هزاران کیلومتر خارج از مرزهای وسیع جغرافیایی ایران می‌گردد. بنابراین سیاست ایران در حمایت از حزب‌الله را می‌توان پاسخی به اقدامات آمریکا و اسرائیل جهت حضور در پیرامون ایران و افزایش فشار بر این کشور ارزیابی نمود؛ زیرا اثر مستقیم پیروزی‌های حزب‌الله توسعه و افزایش ابعاد مختلف عمق راهبردی ایران را در سطح منطقه و نظام بین‌الملل است و جمهوری اسلامی ایران در صورت لزوم از این ابزار می‌تواند در برابر تهدیدات متصور علیه خویش استفاده نماید. این امر با توجه به حضور گسترده‌ی اعضا و حامیان حزب‌الله در سراسر جهان ابزاری استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد و این امر در مقابل ضعف عمق استراتژیک اسرائیل حائز اهمیت است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

۲- شکست استراتژیک بازدارندگی اسرائیل

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقدامات حزب‌الله در مواجهه با اسرائیل شکست استراتژی بازدارندگی استراتژی اسرائیل است. این موضوع بدین جهت اهمیت دارد که در زمان ایجاد اسرائیل تاکنون یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اساسی این رژیم مسأله‌ی امنیت بوده است از نظر رهبران اسرائیل ثبات و امنیت در اسرائیل برای استمرار بقای این رژیم در خاورمیانه است. از این رو اسرائیل از کلیه ابزارها خواه جنگ یا صلح و نیز استراتژی‌های امنیتی؛ مانند بازدارندگی هسته‌ای برای مهار نمودن هر نوع تهدیدی علیه خود استفاده می‌کند، سران این رژیم معتقدند که اسرائیل نباید در هیچ زمانی از سوی ملت و کشوری تهدید گردد؛ چرا که امنیت این رژیم امری مطلق است و تنها منطق زور را می‌شناسد. حزب‌الله با استفاده از نبرد متقارن و به کارگیری عنصر شهادت‌طلبی، ارکان بازدارندگی اسرائیل را با پرسش مواجه ساخته و ضمن افزایش توان بازدارندگی خود، موجب ارتقای بازدارندگی غیرمستقیم منطقه‌ای ایران شده است. دکترین دفاعی اسرائیل که به دنبال دور کردن درگیری و جنگ از مرزهای خود تا حد امکان است به دلیل نتایج منفی ناشی از

نبرد حزب الله با این رژیم با شکست رو به رو شده است. اثرات پیروزی حزب الله در مواجهه با اسرائیل خصوصاً بعد از عقب‌نشینی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و نیز ناکامی این رژیم در سال ۲۰۰۶ منجر به الگوگیری از حزب الله، تقویت حماس و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی شده است و تکرار شکست اسرائیل در مقابل حماس در اواخر سال ۲۰۰۸ و اوایل ۲۰۰۹ (و در جنگ هشت روزه (۲۰۱۲) موجب متزلزل شدن استراتژی امنیتی و فروپاشی بازدارندگی اسرائیل در خاورمیانه شده است. به ویژه اقدامات حزب الله در طول جنگ سی و سه روزه منجر به چالش کشیدن امنیت این رژیم گردید زیرا اسرائیل نتوانست حزب الله را از مرزهایش دور کند (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۴۳).

جنگ ۳۳ روزه نمادی از جنگ نامتقارن به شمار می رود که در آن از یک سو جنگ پر شدت و ابزارهای پیشرفته، ایجاد زمینه سوخت قبل از حملات زمینی و به کارگیری موثر عملیات روانی و از سوی دیگر، ترکیب ابزارهای جنگ کلاسیک و الگوهای جنگ چریکی و پارتیزانی، ترکیب مهارت های رزمی و شناخت دقیق جغرافیا، خودکفایی عملیاتی و مدیریت هوشمندانه عرصه عملیاتی، اصلاحاتی و تبلیغاتی روانی مطرح بودند. در این جنگ اسرائیل به دلیل ضعف در کسب اطلاعات درباره ظرفیت های نظامی و عملیاتی حزب الله بسیار آسیب پذیر شد. در این جنگ، رژیم صهیونیستی هم در آغاز جنگ و هم در محاسبه میزان توان موشکی و نظامی رزمندگان حزب الله دچار غافلگیری شد. رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ هدف عمده از جنگ را نابودی حزب الله، خلع سلاح مقاومت و عقب راندن حزب الله، به پشت رودخانه لیطانی اعلام کرد. در پایان درگیری ها، برتری فن آوری و تسلیحاتی رژیم صهیونیستی زیر سوال رفت. علیرغم خسارات شدید به زیر ساخت ها و زیر بناهای لبنان، تصویری که در محافل داخلی رژیم صهیونیستی و در سطح منطقه و نزد افکار عمومی دنیا ارائه شد، شکست همینه ارتشی بود که تا قبل از آغاز این جنگ، داعیه شکست ناپذیری داشت. این امر از نظر روانی اثرات سوئی بر ارتش رژیم صهیونیستی داشت. علاوه بر ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف اعلام شده اش، در آن سوی میدان، حزب الله موفق شد جایگاه بهتر و مناسب تری را برای خود ایجاد کند. به گونه ای که از دید روزنامه نیویورک تایمز بعد از جنگ ۳۳ روزه جنبش مقاومت اسلامی حزب الله لبنان را باید قهرمان جهان عرب دانست.

پس از صدور قطعنامه ۱۷۰۱ و پایان جنگ، نظر سنجی هایی که در رژیم صهیونیستی منتشر شد، حکایت از انتقاد و نارضایتی افکار عمومی از عملکرد دولت و ارتش رژیم صهیونیستی داشت. با تشکیل کمیسیون تحقیق، علل ناکامی های ارتش صهیونیستی بررسی شد و در نهایت، ژنرال دن هالوتز، رئیس ستاد کل ارتش، مجبور به استعفا شد. برخی از تحلیلگران، جنگ ۳۳ روزه را جنگی نیابتی قلمداد کرده و نزاع اصلی را بین ایران و رژیم صهیونیستی قلمداد نمودند. این جنگ دستاوردهای مختلفی برای حزب الله در بداشت که از جمله آنها:

- ۱- نظریه مرزهای امن رژیم صهیونیستی در نتیجه ایستادگی حزب الله و استمرار آتش بازی آن بر ضد شهرهای شمال اسرائیل تا حد زیادی به چالش کشیده شد. آسیب پذیری نظامی جامعه صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه، بسیاری از تضادهای اجتماعی این جامعه را نمایان کرد. نبود همبستگی اجتماعی در نتیجه فرآیند ملت سازی و ناتوانی دولت در مدیریت بحران در چارچوب پیش بینی نشده از جمله موضوعات جدیدی بود که مطبوعات صهیونیستی در طول جنگ مورد نقد و بررسی قرار دادند. آسیب پذیری نظامی و اجتماعی صهیونیستی، موجب شد رژیم به تجدید نظر در بسیاری از راهبردهای نظامی خود مبادرت نماید.
- ۲- نظریه شکست ناپذیری ارتش اسرائیل رو به ابطال گرایید.
- ۳- نقش استراتژیک اسرائیل در منطقه در نتیجه جنگ ۳۳ روزه کاملاً دچار بحران شد.
- ۴- توان مدیریتی رژیم صهیونیستی در جنگ و دستیابی به ابتکار عمل در عملیات جنگی زیر سوال رفت.
- ۵- همگرایی جهان اسلام در تقابل با جنایات اسرائیل به صورت خود جوش و مردمی تقویت گشت (رویوران، ۱۳۸۵: ۵۳-۵۱).

موفقیت عملکرد حزب الله لبنان نشان داد که آنها دارای نیروی قوی و معتبر هستند که می توانند اسرائیل را به رغم حمایت های بی وقفه آمریکا که مدعی کسب مشروعیت و محبوبیت در جهان اسلام و عرب شده اند به زیر افکندند و موازنه معتبر در تعادل قدرت منطقه باشند. در نتیجه این امر ایران به عنوان حامی معنوی حزب الله توانست قدرت سخت افزاری خود را در تقابل با اسرائیل به نمایش بگذارد و تهدید امنیتی وجودی برای رژیم صهیونیستی ایجاد نماید.

۳- کاهش ضریب امنیت نظامی اسرائیل

ناکامی اسرائیل در از بین بردن حزب‌الله و عدم موفقیت در جنگ ۳۳ روزه، ضمن پایان بخشیدن به اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری ارتش این رژیم، منجر به تضعیف بازدارندگی اسرائیل شده است. برآیند این عوامل و نیز تحولات ناشی از آن، تضعیف جایگاه ارتش در جامعه و دولت اسرائیل است. به دلیل ماهیت نظامی و امنیتی جامعه و حکومت در اسرائیل، ارتش و نظامیان دارای جایگاه و نقش انحصاری و استراتژیکی در آن می‌باشند؛ زیرا اسرائیل یک «دولت پادگانی» است و ارتباط تنگاتنگی میان شکل‌گیری ارتش و ایجاد اسرائیل وجود داشته است. ارتش که هم علت وجودی رژیم اسرائیل و هم علت بقا و استمرار آن است، با این ناکامی‌ها در جایگاه آن تزلزل ایجاد شد. عدم موفقیت راهبرد و ابزار نظامی اسرائیل نیز نشان‌دهنده ناتوانی ارتش در تأمین امنیت ملی اسرائیل است. ناکامی نیروهای نظامی این رژیم در مدیریت و تحمل جنگ فرسایشی، دشمنان اسرائیل را متوجه آسیب‌پذیری‌های آن کرد و آنان را به انتخاب گزینه‌ی نظامی در مقابله با این رژیم تشویق نمود. پیامدهای عملیات حزب‌الله به اندازه‌ای است که به عنوان شکست هیمنه‌ی ارتش اسرائیل از آن یاد می‌شود و در نتیجه به منزله‌ی یکی از مهم‌ترین تأثیرات منطقه‌ای اقدامات حزب‌الله در برابر اسرائیل محسوب می‌شود. مهم‌ترین تأثیر نظامی جنگ ۳۳ روزه به منزله‌ی آینده‌ی تمام نمای قدرت دو طرف، ایجاد جنگ روانی علیه رژیم اسرائیل بوده است. عاملی که منجر به تضعیف روحیه‌ی ارتش و ساکنان مناطق شمالی و نیز سایر نواحی آن شده است و نوعی جو فروپاشی را به وجود آورد. ناتوانی ارتش اسرائیل از تأمین امنیت مناطق شمالی (هم مرز با لبنان) علی‌رغم در اختیار داشتن تجهیزات نظامی پیشرفته، موجب بی‌اعتباری ارتش در بین مردم و بی‌اعتمادی به آن شده است. این امر اهمیت و نقش منحصر به فرد قدرت نظامی را در تأمین امنیت ملی اسرائیل مورد تردید قرار داده است. پیامد مخدوش شدن قدرت بازدارندگی اسرائیل که یکی از اصول بنیادین امنیت ملی این رژیم را تشکیل می‌دهد، تشدید و تقویت تهدیدهای نظامی از سوی سایر کشورها علیه اسرائیل است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۴۶).

۴- کاهش احتمال حمله نظامی به ایران

استفاده از توانایی‌های مختلف حزب‌الله در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای استراتژیکی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در زمان وقوع تهاجم نظامی احتمالی علیه ایران تلقی گردد، پدیده‌ای که استراتژیست‌های غربی نیز از آن سخن می‌گویند. برای مثال نیویورک تایمز در این زمینه می‌نویسد: اگرچه مقامات ایران از عنوان بازدارنده بودن حزب‌الله در برابر حملات احتمالی غرب پرهیز می‌کنند، ولی مشخص است که استفاده از اهرم حزب‌الله، هدف اعمالی و نه اعلامی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدهای آمریکا و اسرائیل است. این امر در وضعیت فعلی که آمریکا و متحدانش به صورت غیرمستقیم اقدام به جنگ با سوریه و نیز حمله به غزه و حماس به عنوان اعضای محور مقاومت نموده‌اند و نیز با توجه به تهدیدات اسرائیل علیه ایران دارای اهمیت زیادی است. تلاش‌های حزب‌الله در صحنه‌ی نبرد با اسرائیل که با پشتیبانی ایران به سرانجام مطلوب رسیده است، منجر به این شده که رژیم اسرائیل در وحشت پیوسته قرار بگیرد؛ زیرا وجود جریان کنشگر قدرتمندی به نام حزب‌الله، اسرائیل را از سناریوهای احتمالی تهدید امنیت ملی ایران دور کرده یا حداقل هزینه و ریسک آن را به میزان زیادی افزایش می‌دهد. هراس دائمی از اقدام حزب‌الله در اسرائیل و در سطح نظام بین‌المللی به ویژه در غرب، باعث تقویت مؤلفه‌های توانایی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران گردیده است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۴۸).

نتیجه‌گیری

در بعد سخت‌افزاری باید گفت که با توجه به بند ۲۵ سند برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که بر تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی ایران با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته تأکید می‌کند، مؤلفه‌های قدرت سخت، جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قالب قدرت هوشمند به خود اختصاص داده است. مؤلفه‌های نظامی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت سخت می‌باشند که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از این مولفه در قالب قدرت هوشمند سعی کرده است که در سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و به ویژه لبنان تأثیر گذار باشد.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تشکیل حزب‌الله در سال ۱۹۸۲، مهم‌ترین حامی این جنبش از لحاظ نظامی محسوب می‌شود. آموزش‌های مداوم نظامی کادر حزب... و نیز موضع مخالف ایران در برابر مخالفان حزب... و حامیان خلع سلاح این جنبش و مهمتر از آن، تبادل اطلاعاتی از جمله مهم‌ترین تأثیرگذاری قدرت هوشمند سخت ایران در قبال حزب...

لبنان است. حزب‌الله از زمان شکل‌گیری، یعنی چند سال پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، قوی‌ترین متحد غیردولتی ایران بوده است. اساساً، نقش حزب‌الله در نمایش قدرت ایران به اهداف مبارزه با رژیم صهیونیستی و حفاظت از لبنان گره خورده است. امروز حزب‌الله در کنار مشاوران و مربیان نیروی قدس و یگان‌های نظامی سوریه، عامل کلیدی مبارزه در خطوط مقدم سوریه و علیه اسرائیل است.

جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اسرائیل را می‌توان نمونه‌ای از موفقیت مؤلفه‌های سخت قدرت هوشمند ایران به شمار می‌رود. در جنگ ۳۳ روزه، اسرائیل به دلیل ضعف در کسب اطلاعات درباره ظرفیت‌های نظامی و عملیاتی حزب‌الله بسیار آسیب پذیر شد. در این جنگ، رژیم صهیونیستی هم در آغاز جنگ و هم در محاسبه میزان توان موشکی و نظامی رزمندگان حزب‌الله دچار غافلگیری شد. در روند جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، اصول سنتی در مقابل جنگ نامتقارن حزب‌الله... که از جمله آموزش‌های نظامی ایران بود، برای موفقیت رژیم صهیونیستی کاملاً ناکارآمد عمل کرد. رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ هدف عمده از جنگ را نابودی حزب‌الله، خلع سلاح مقاومت و عقب راندن حزب‌الله، به پشت رودخانه لیطانی اعلام کرد. با گذشت زمان و در پایان درگیری‌ها، برتری فن‌آوری و تسلیحاتی رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفت. علیرغم خسارات شدید به زیرساخت‌ها و زیربنای لبنان، تصویری که در محافل داخلی رژیم صهیونیستی و در سطح منطقه و نزد افکار عمومی دنیا ارائه شد، شکست‌هیمنه ارتشی بود که تا قبل از آغاز این جنگ، داعیه شکست‌ناپذیری داشت. این امر از نظر روانی اثرات سویی بر ارتش رژیم صهیونیستی داشت. علاوه بر ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف اعلام شده‌اش، در آن سوی میدان، حزب‌الله موفق شد جایگاه بهتر و مناسب‌تری را برای خود ایجاد کند. انقلاب اسلامی ایران از زمانی که هویت خود را تعریف کرده و اسرائیل را در مقابل خود با عنوان «دیگری» شناسایی نموده، در دوره‌های مختلف زمانی با ابزارهای گوناگون به مقابله با آن پرداخته است. ج.ا.ا. امروزه با تکیه بر قدرت هوشمند و بهره‌گیری از قدرت نرم و سخت به صورت هم‌زمان در مقابل رژیم صهیونیستی به تقابل پرداخته است. انقلاب اسلامی در حوزه قدرت نرم با آشکارسازی هویت جعلی اسرائیل، مشروعیت‌زدایی از این رژیم با توجه به مسئله پناهندگان و تصویرسازی سلبی از رژیم صهیونیستی سعی دارد این رژیم را در عرصه جهانی نامشروع نشان داده و اقتدار آن را فروپاشد. ج.ا.ا. همچنین در عرصه سخت‌افزاری نیز با تقویت جبهه مقاومت و هدایت معنوی حزب‌الله به عنوان نوک حمله مقابله با اسرائیل تلاش می‌کند، ضمن تخریب اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل این رژیم را با چالش‌های امنیتی مواجه سازد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی با بایکوت و تحریم کالاهای اسرائیلی و تشویق این امر در عرصه جهانی، دایره تهدیدات اقتصادی اسرائیل را تنگ‌تر و این رژیم را با مشکلات اقتصادی اساسی مواجه نموده است که وجود و هستی اسرائیل را با خطر نابودی روبه‌رو می‌کند لذا این تقابل یک تهدید امنیتی هستی‌شناختی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید که می‌تواند منجر به نابودی آن گردد.

منابع و مراجع

- ۱- احمدی، حسن. ۱۳۸۸. قدرت هوشمند: راهبرد جدید آمریکا در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. سال دهم، شماره ۳۷.
- ۲- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو. ۱۳۹۶. تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. سال بیست و ششم، شماره ۸۳.
- ۳- باقری دولت‌آبادی، علی. ۱۳۹۲. نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و دوم، شماره ۸۵.
- ۴- بشری، اسماعیل. ۱۳۸۹. نقش موشک در سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش نامه روابط بین‌الملل. شماره ۴۹.
- ۵- بن‌مایر، آلن. ۱۳۹۱. واکنش‌های اسرائیل به ایران هسته‌ای. ترجمه محسن کرمی ناوه‌کش. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی. سال سیزدهم، شماره ۳.
- ۶- جهان‌تاب، محمد. ۱۳۸۵. بررسی مولفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن. فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۳۱.
- ۷- دهشیری، محمدرضا و الله کرم مشتاقی. ۱۳۹۴. بررسی منابع تاثیرگذار بر سیاست خارجی و استراتژی امنیتی رژیم صهیونیستی پس از تحولات بیداری اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۱.

- ۸- دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی. ۱۳۹۵. عرصه های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۵.
- ۹- رباعه، اسماعیل غازی. ۱۳۶۸. استراتژی اسرائیل، ترجمه محمد رضا فاطمی، نشر سفیر .
- ۱۰- رسولی ثانی آبادی، الهام. ۱۳۹۰. واکاوی سیاست هسته ای نظام جمهوری اسلامی ایران؛ آیا جمهوری اسلامی ایران به دنبال بازدارندگی منطقه ای است؟ فصلنامه علوم سیاسی. سال چهاردهم، شماره ۵۳.
- ۱۱- رویوران، حسین. ۱۳۹۶. انقلاب اسلامی و بحران رژیم صهیونیستی. فصلنامه فرهنگ اسلامی. شماره ۴۶.
- ۱۲- شعرباف، جواد. ۱۳۹۰. افزایش هزینه های نظامی ایران؛ ضرورتی انکارناپذیر. فصلنامه آفاق امنیت. سال چهارم، شماره ۱۲.
- ۱۳- صالحی، سیدجواد و عباس فرح بخش. ۱۳۹۵. پایگاه سازی نظامی در غرب آسیا (خاورمیانه) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و چهارم. شماره ۹۶.
- ۱۴- صدوقی، مرادعلی. ۱۳۸۱. تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر سیاست دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پنجم، شماره ۳ و ۴.
- ۱۵- طارمی، کامران. ۱۳۸۲. تحلیلی بر نقش موشک های بالستیک در دکترین دفاعی ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۵۹.
- ۱۶- غلامی، روح الله و دیگران. ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲. چارچوب مفهومی قدرت نرم؛ مطالعه موردی قدرت نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات روانی. شماره ۳۵.
- ۱۷- قاسمی، علی پاشا. ۱۳۹۰. بررسی عوامل موثر بر تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات فلسطین. شماره ۵.
- ۱۸- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۸. الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه بین المللی روابط خارجی. سال اول، شماره ۳.
- ۱۹- قیصری، نوراله و احسان خضری. ۱۳۹۵. سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. سال دهم، شماره ۳۷.
- ۲۰- کرمی، جهانگیر. ۱۳۸۲. بازدارندگی در دکترین استراتژیک رژیم صهیونیستی؛ جایگاه، ابعاد و کارآمدی. فصلنامه سیاست دفاعی. سال یازدهم، شماره ۴۳.
- ۲۱- کلانتری، فتح الله و اصغر افتخاری. ۱۳۹۳. بررسی و تبیین راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و دوم، شماره ۸۸.
- ۲۲- کوشکی، محمدصادق و فرشته میرحسینی. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. شماره ۱۳.
- ۲۳- گلشنی، علیرضا و محسن باقری. ۱۳۹۱. جایگاه حزب الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. شماره ۱۱.
- ۲۴- لنون، الکساندر تی. جی. ۱۳۸۹. کاربرد قدرت نرم. ترجمه سیدمحسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۲۵- متقی، ابراهیم. ۱۳۷۶. تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. شماره ۱۸.
- ۲۶- مجیدی، محمدرضا و علیرضا ثمودی پيله رود. ۱۳۹۳. تلاش های رژیم صهیونیستی برای برسازی برنامه هسته ای ایران به عنوان یک تهدید امنیتی. فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی. سال سوم، شماره ۱۰.
- ۲۷- مصلی نژاد، عباس. ۱۳۹۰. ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی رهیافت ها و فرآیندها. فصلنامه ژئوپلتیک. سال هفتم، شماره ۱.
- ۲۸- موسوی، سیدعبدالرحیم و مهدی کامکار. ۱۳۹۰. بررسی مزیت های عملیات روانی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی. سال یازدهم، شماره ۴۴.
- ۲۹- نیکو، حمید و مرتضی سویلمی. ۱۳۹۶. جایگاه برنامه هسته ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل. سال دهم، شماره ۳۷.
- 30- Grindle, merille (1980) politics and policy implementation in other third world. prinveton: university press.
- 31- Keohane, r and joseph nye (1984) power and interdependence in the information age, foreign affairs. No 70.

- 32- Kelly.paul (2002) soft power for hard heads' the weekend Australian. No 8 (june).
- 33- Nye,joseph (2004) hard and soft power in a global information in: recording the world, eaby: mark leonard,London: the foreign policy venter.
- 34- Powell, colin (2005) soft power.perseus books.